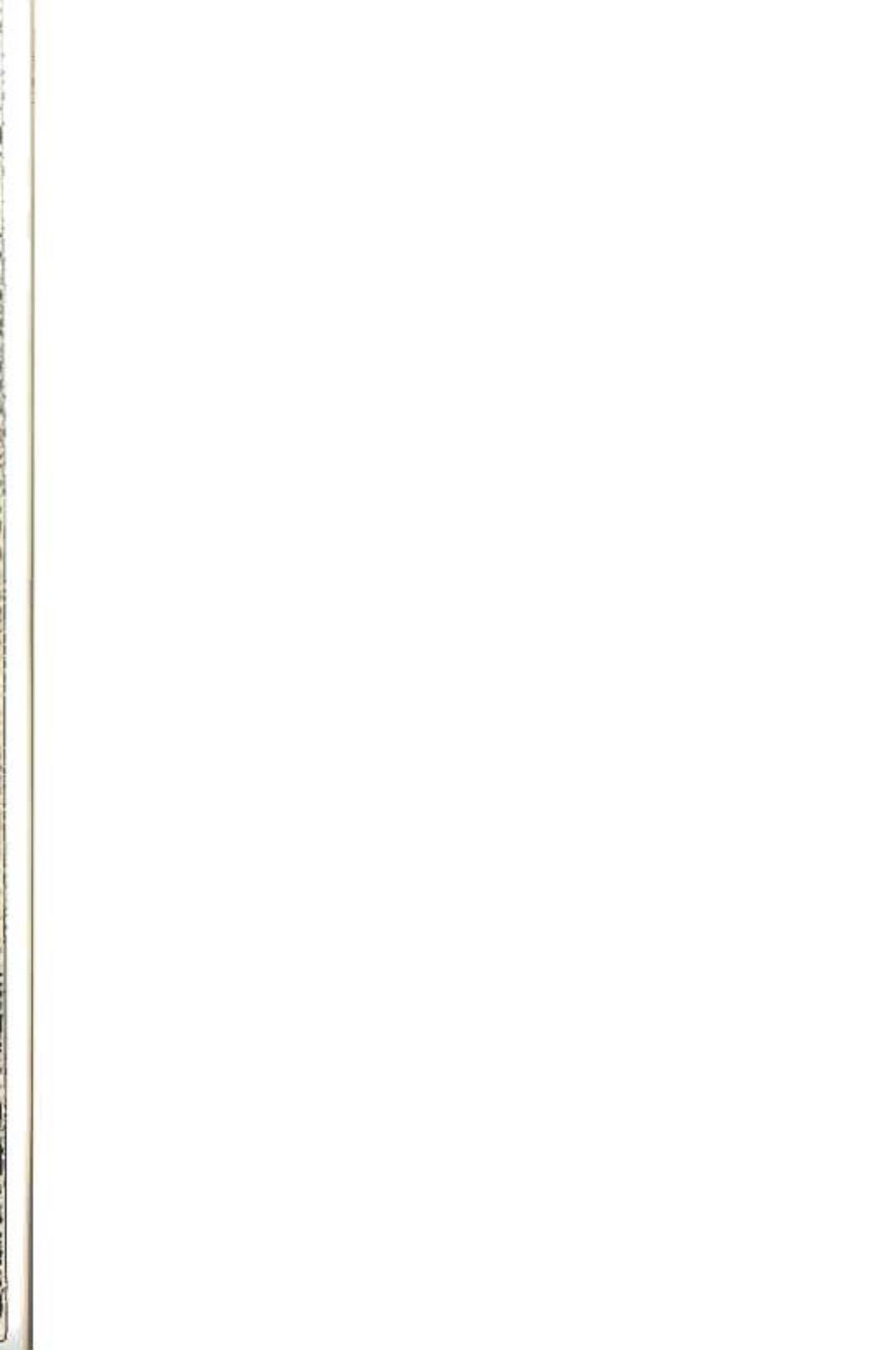


کلثوم ننه

بیژن اسدی پور







امشارات فرارید

کلموم لته

آقا جمال خوانساری

با طرح های بیژن اصلی بود

روی جلد و سونتاژ از حسن ماهرانتش
چاپ اول تابستان ۲۵۳۵ در چاپخانه کتیبه
ناشر انتشارات دروازه رودر روی دانشگاه تهران
حق چاپ محفوظ است.



آقا جمال خوانساری

کلثوم ننه

با طرح های بیژن اسدی پور

تذکره و تشکر

از میان متون موجود «کلثوم ننه» به نظر من متن تصحیح شده محمود کتیرالی قابل اعتمادتر آمد. این را نوشتم که عرض کنم در تهیه متن حاضر هر جای اشکالی بود از متن ایشان مدد گرفتیم.

و همه را برای این نوشتم که بگویم از محمد روشن که امکان استفاده از متن فوق را دادند سپاسگزارم. همینطور از اردشیر محمص که طرح های کتاب را انتخاب کردند.

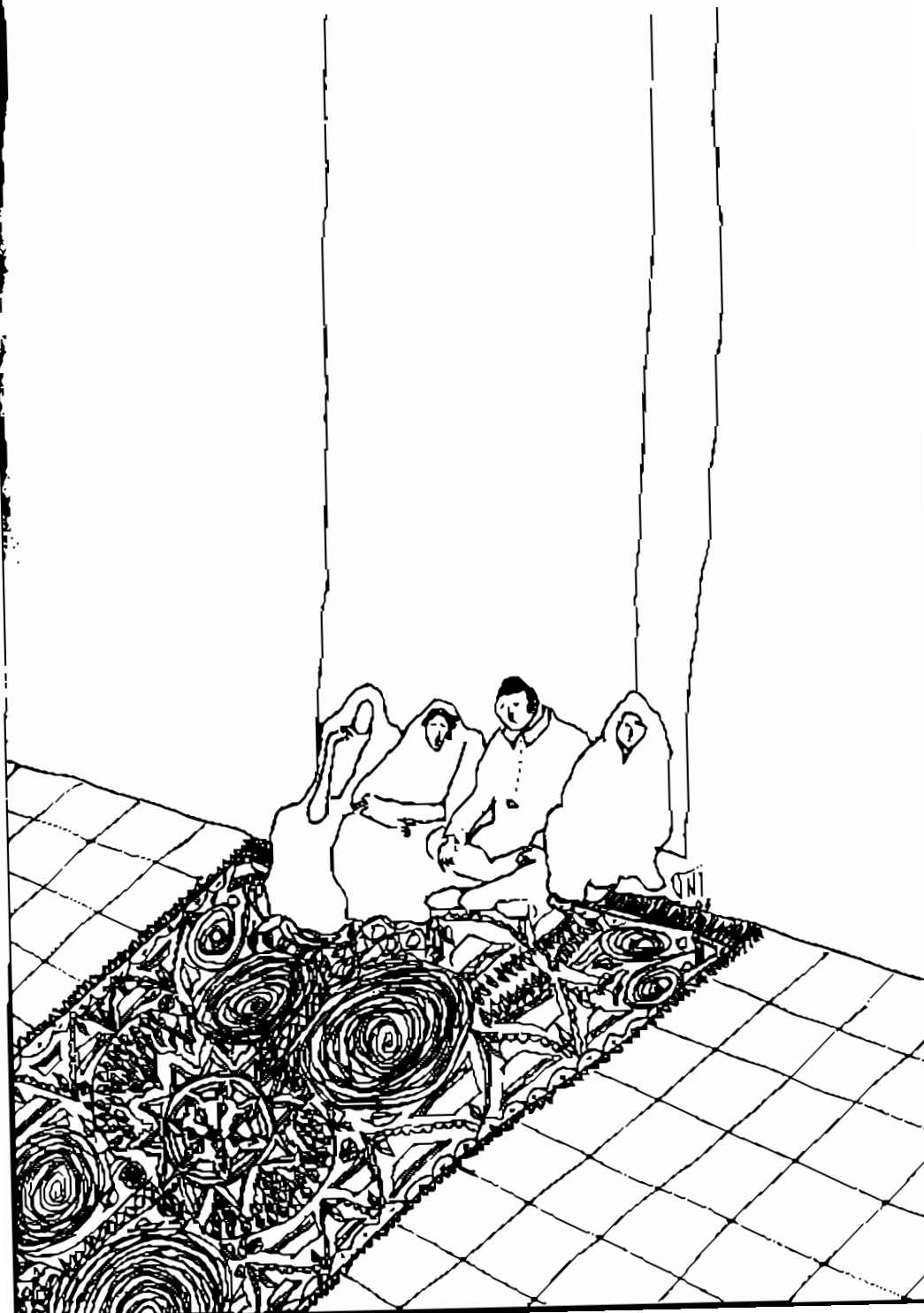


به ضمیر برادران ایمانی پوشیده نماند که این مختصری است در بیان احوال و افعال و واجبات و من
 و محرمات و مکروهات و مبایعات ایشان و این مکتب است بر مقدمه و شانزده باب و خان
 بقایه الناس را تا مقصد در اسامی علماء و فضلا و فقها و فضیلت آنها که افضل علمای زمان
 بی شاه زینب دوم کلثوم زنده نسوم خان آقا چهارم حاجی یاسمن نجم دوده بزوم آرا آنچه
 آنچه از احوال آنها بدست بیاید نهایت و ثوق دارد و محل اعتماد است و بغیر از این چهار
 یسار نیز هستند که ذکر آنها موجب طول کلام میشود بد آنکه هر زینکه سنی در شش باشد و بر
 ت او در یافتن باشد و بگرن بافعال او و ثوق تام دارند هر زینکه خلاف فرموده ایشان
 کنکار باشد باب اول در بیان عمل و دعوت و تیم باب دوم در بیان نماز باب سوم
 روزه باب چهارم در بیان نکاح باب پنجم و ششم در بیان زانیان و اعمال آن
 در بیان حمام رفتن باب هفتم در سازا و افعال آن باب نهم در بیان فعلها و اوقاف
 باب دهم در بیان معاشرت با زمان باب یازدهم در بیان مطبوعه خایکه بند
 باب دوازدهم در بیان توبید بجهت چشم زخم باب سیزدهم در بیان محرم و نامحرم باب
 چهارم در بیان اسباب دعا باب یازدهم در بیان مهمان گانه آنکه باب شانزدهم



برای پدر و مادرم





نگاه صادق هدایت به کثوم ننه

تنها کتای که می‌هودگفت راجع به آداب و رسوم هوام نوشته شده
هان کلب معروف کثوم ننه تألیف آقا جمال خوانساری است که به زبان‌های
خارجی هم ترجمه شده و فارسی آن در دسترس همه می‌باشد. اگرچه بعضی
از مطالب آن اهرای آمیز به نظر می‌آید زیرا نباید فراموش کرد که بیشتر این
عادات و خرافات امروزه منسوخ شده و ازین رفته‌است و چیزی که قابل توجه
است حتی امروزها هم آنها را با نظر تسخیر نفی می‌کنند.
خرافات هم مانده همه‌گونه عقاید و الکار زندگی جنموس دارد،

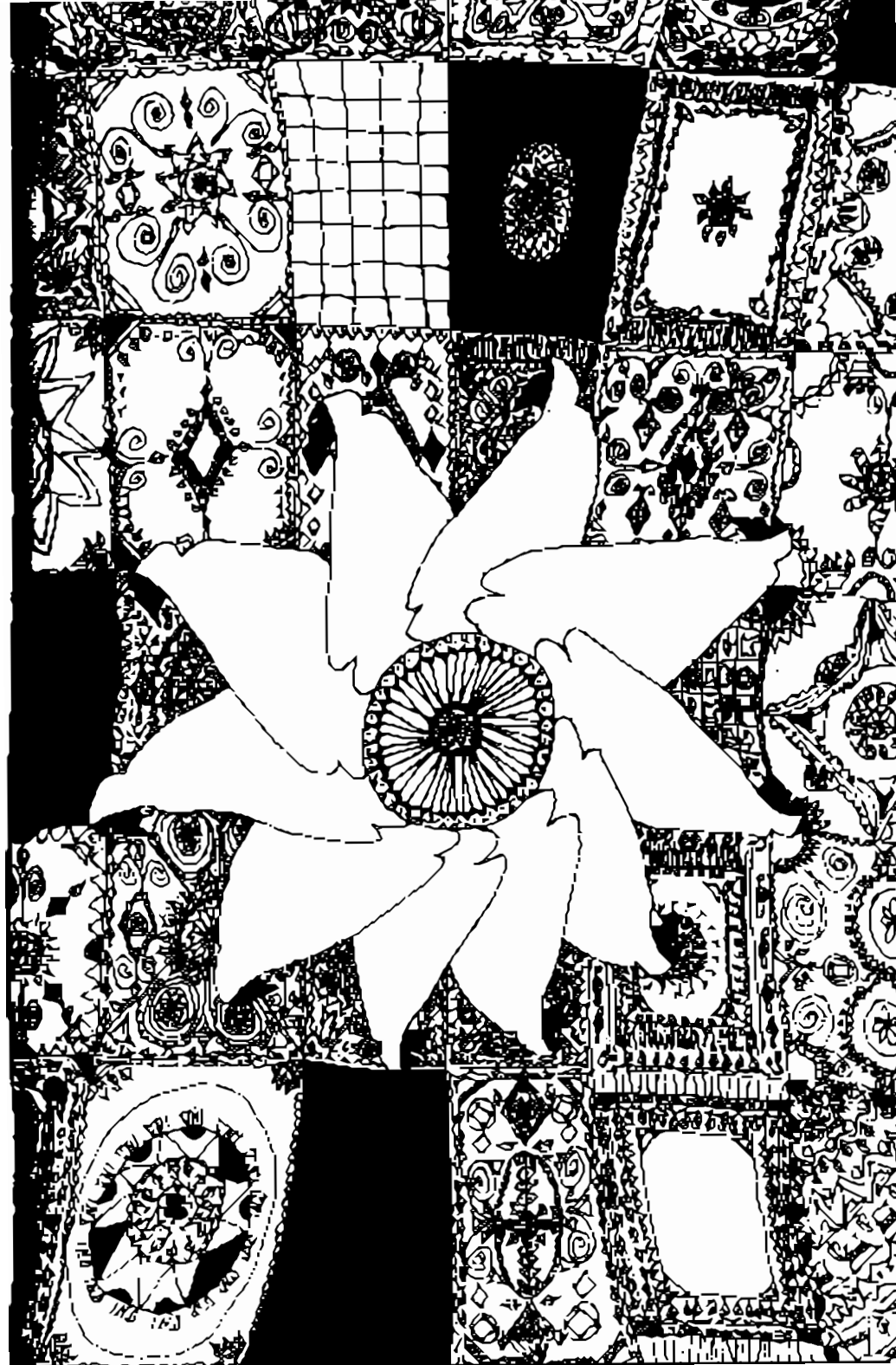
گاهی بوجود می‌آید و جانشین خرافات دیگر می‌شود و زمانی هم ازین می‌رود. ترقی علوم، افکار و زمان به این کار خیلی کمک می‌نماید. بسا اتفاق می‌افتد که يك دسته از آن‌ها را ازین می‌برد در صورتی که يك دسته دیگر خیلی سخت‌تر جای آن‌ها می‌آورد. البته اگر آن‌ها را به‌حال خود بگذارند جنبه الوهیت خود را تا دیر زمانی نگه‌می‌دارند چون مردم عوام آن‌ها را مانند مکاشفات و وحی الهی دانسته به یکدیگر انتقال می‌دهند...

امروزه در همه ممالک متمدن دسته‌ای از دانشمندان خرافات همه‌ممل دنیا را از ممالک متمدن گرفته تا قبایل وحشی آفریقا و استرالیا جمع‌آوری کرده‌اند و تشکیل صدها کتاب را می‌دهد چنان‌که پس از مقایسه و تطبیق آن‌ها بایکدیگر



هك رشته علم تازه بوجود آمده كه دانش عوام با هلكلكره می نامند كه در
اهلب علوم مخصوصاً روانشناسی و تجزیة روح و تاریخ تمدن و تاریخ مذاهب
و غیره خیلی طرف توجه علماء می باشد ولی جای تعجب است كه تا كتون
آداب، رسوم و اعتقادات عوام ایران جداگانه جمع آوری نشده بوده استثنای
مختصری در كلثوم ننه و آنچه در كتابها دیده می شود عبارت از بعضی خرافات
است كه مسافران اروپائی دروخ با راست در كتابهای خودشان ضبط کرده اند.
به نقل از كتاب ایرانكستان

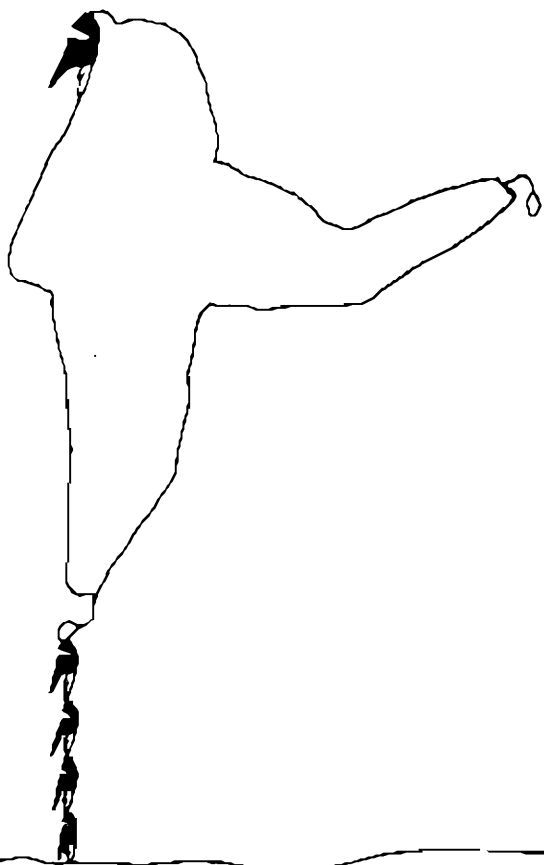




مراسمی که وحی شیطان است

کثرت تشکلی است به لاری دوزل و موضوع آن مقابله اختلافات
لغات و از جمله از رسوم آداب او باقی و زبان بحث می کند. موافق
کرده است که این مراسم و آداب وحی شیطان است. بعد نیست این کتاب
هزل، که تالیف آن را به آقا حسن خوانساری نسبت می دهند، از لطایف طبع
پسر آقا جمال السین باشد. آقا حسن از دانشمندان علوم دینی و ادبی بود
و از جمله شاگردانش سرداماد است.

به نقل از فرهنگ معنی جلد ۶



هَذَا كِتَابُ عَقَائِدِ النِّسَاءِ مِنْ تَأْلِيفَاتِ آقَا جِمَالِ خَوَانَسَارِي رَحِمَهُ اللهُ

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برآینه ضمیر برادران ایمانی پوشیده نمائند که این مختصری
است در بیان اقوال و افعال و واجبات و مشدوبات* زنان و
محرمات** و مکروهات*** و مباحات**** ایشان، و این مشتمل
است بر مقدمه و شانزده باب و خاتمه و مسمی به عقاید النساء .
اما مقدمه و اسامی علماء و فضلاء و فقها و فضیلت آنها - بدانکه

• مستحبات .

•• چیزهای حرام .

••• جمع مکروه ؛ و آن مقابل مستحب است . اگر انجام دهن امور

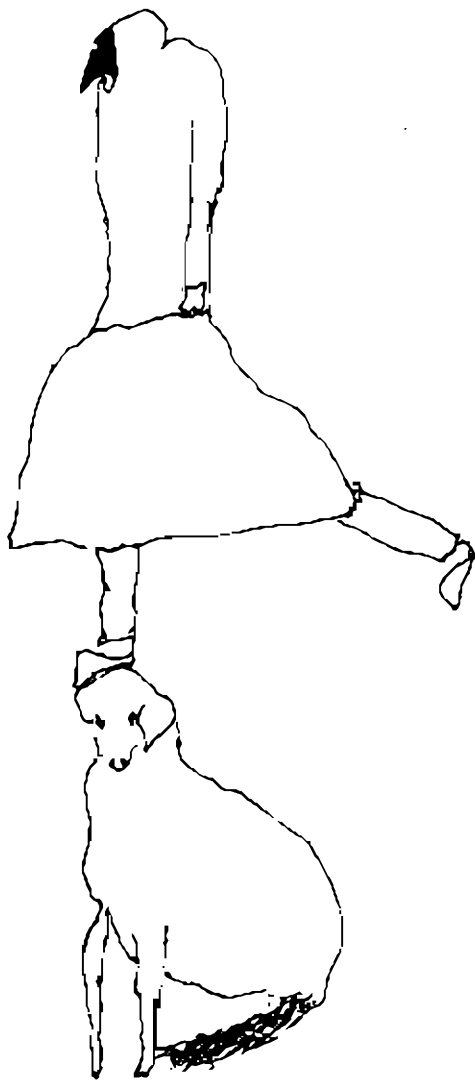
مستحب راجع است، ترک امور مکروه راجع است .

•••• جمع مباح ؛ امری که فعل و ترک آن متمایز باشد .



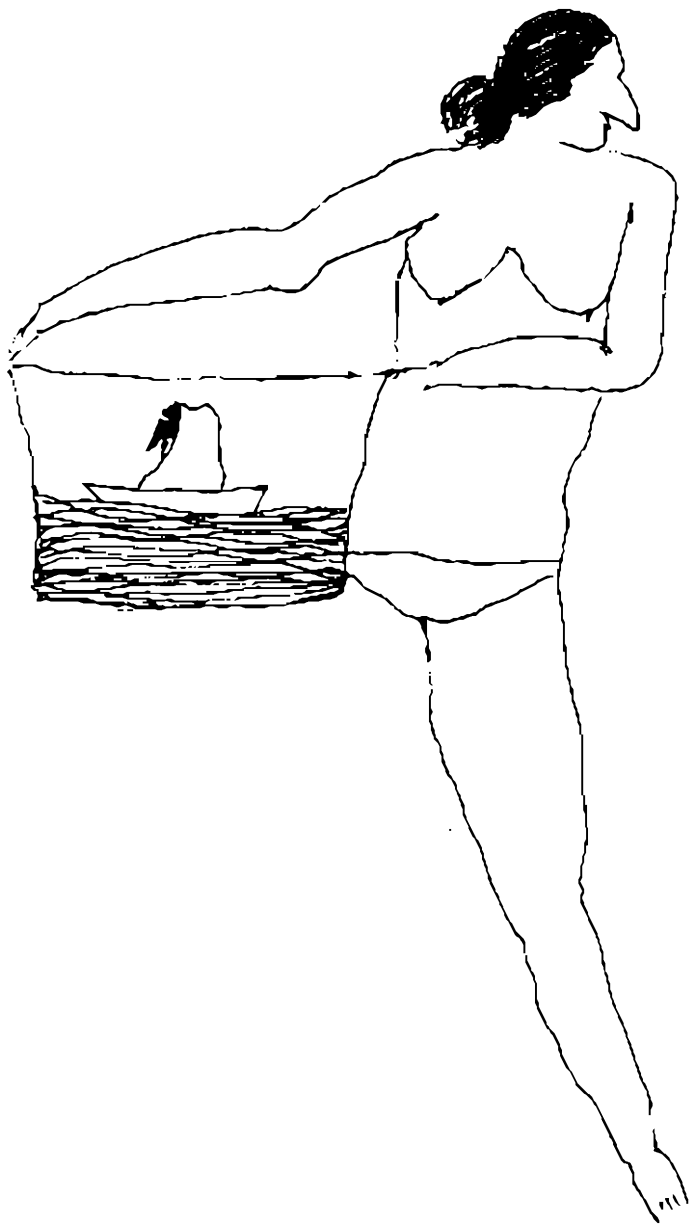
افضل علمای زنان پنج نفرند: اول بی بی شاه زینب، دوم کلثوم نه، سوم خانه جان آقا، چهارم حاجی باسن، پنجم دده بوم آوا. و آنچه از اقوال آنها بدست بیاید، نهایت وثوق دارد و محل اعتماد است؛ و بغیر از این پنج نفر علمای بسیاری نیز هستند که ذکر آن‌ها موجب طول کلام میشود. بدانکه هر زنی که سنی داشته باشد و پیری و خرافت او را دریافته باشد، دیگران به افعال او وثوق تمام دارند و هر زنی که خلاف فرموده ایشان کند آلم و گناهکار باشد.

باب اول در بیان غسل و وضو و تیمم - باب دوم در بیان نماز - باب سوم در بیان روزه - باب چهارم در بیان نکاح - باب پنجم در بیان احکام شب زفاف - باب ششم در بیان احکام و اعمال زایدن زنان و



ادعیه وارده درباره زائو - باب هفتم در بیان حمام رفتن - باب هشتم در بیان سازها و افعال آنها - باب نهم در بیان معاشرت زنان باشوهران خود - باب دهم در بیان مطبوخاتی که به نذر واجب می شود - باب یازدهم در بیان تمویل* به جهت چشم زخم - باب دوازدهم در بیان محرم و نامحرم - باب سیزدهم در بیان استجابات دعا - باب چهاردهم در بیان آمدن مهمان - باب پانزدهم در بیان صیغه خواهرخواندگی - باب شانزدهم در بیان چیزهایی که بعد از خواهرخواندگی برای یکدیگر می فرستند - خاتمه در بیان ادعیه و اذکار منفرقه و آداب کثیر المنفعه .

* دمای که نرست به گردن یا بازو بستند تا دفع چشم زخم و بپلاکند .



باب اول

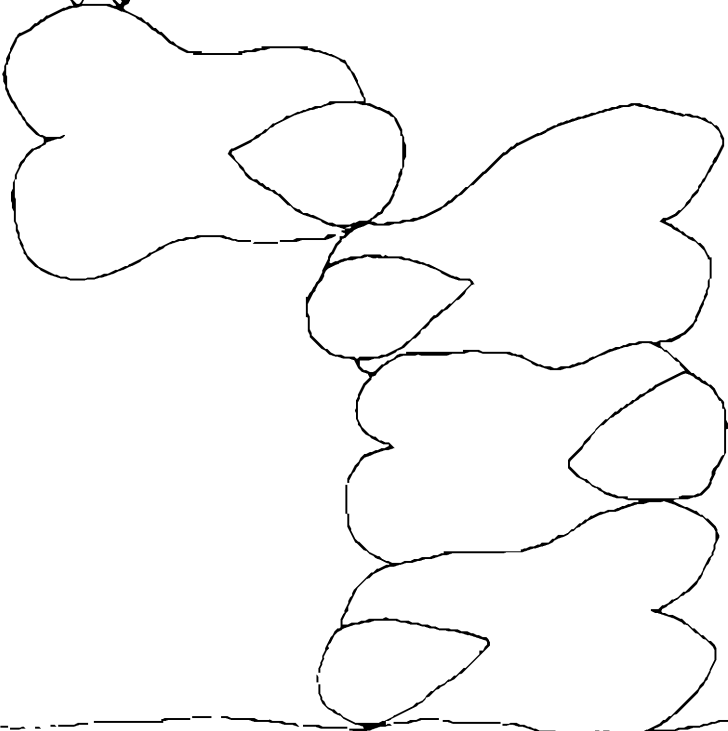
در بیان وضو و غسل و تیمم

بدان که اجماع فتوای زنان است که وضو و غسل واجب است
مگر در چند موضع : وقتی که دست را حنا و نگار* بسته باشند یا
ابرو گذاشته باشند بازرك** بر ابرو چسبایده باشند؛ در این صورت
ترك وضو و غسل واجب می شود و اکثر علماء مذکور نگار را
تا سه روز ماقط می دانند و می گویند بی بی شاه زینب تا پنج روز

* نقش که از حنا بر دست و پاهای مجرب کنند .

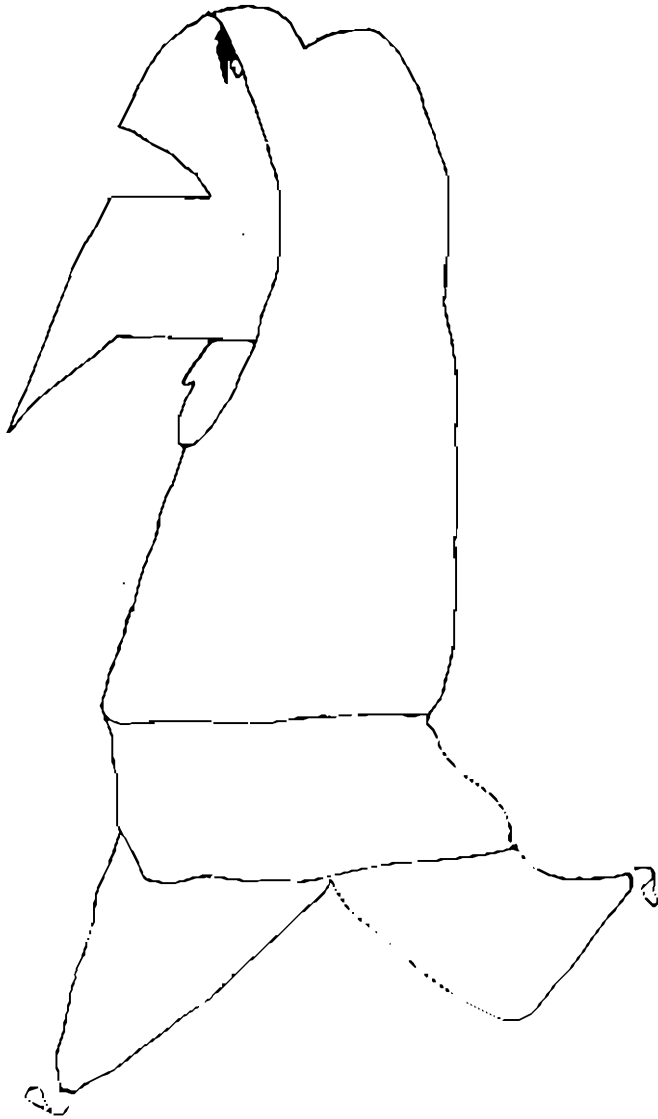
** یکی از هفت آرایه زنان قدیم. سیرزا صادق خان امیری فراهانی
(ادیب السالك) هر هفت را در این دو بیت گرد آورده است :

حلت پیراهه شد به روی بتان	که از آن باغ حسن سیراب است
رسمه و حرمه و نگار و عجبك	زرك و قهازه و سفید آب است.

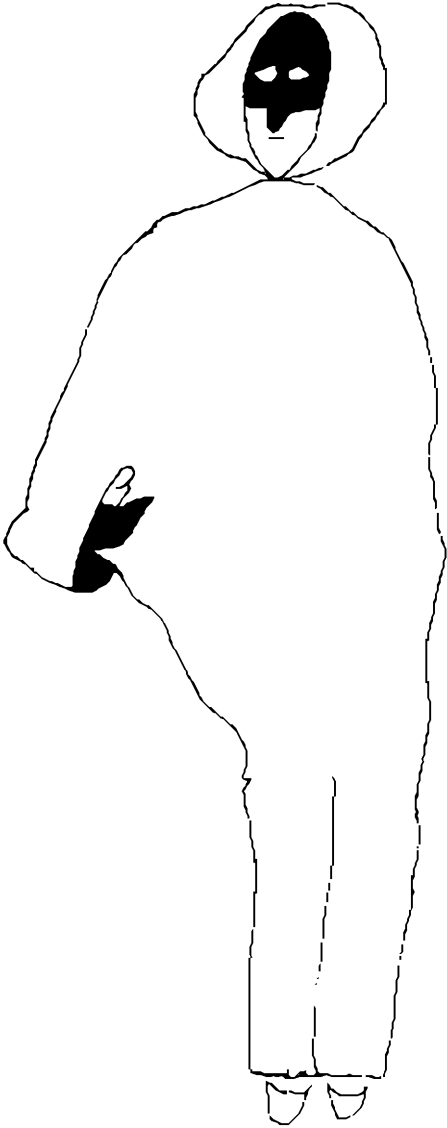


یا نش روز وضو را ساقط می داند، و همچنان قبل از بستن ننگار
 ناهفت روز وضو بسازند، حرام است و بعضی هم مکروه دانسته اند.
 اما غسل ، هرگاه زنی جاریه* در خانه داشته باشد و کسی
 از خویشان زن هم حاضر نباشد که از شوهر او مخبر باشد و زن
 شوهر را امین نداند که مبادا به حمام رود شوهرش با جاریه مقاربت
 نماید در این صورت ترك غسل کند تا مانع رفع شود. کلثوم نه تا
 يك هفته را جایز دانسته و برخی بیشتر و بعضی کمتر گفته اند ، و باجی
 یاسن تا يك ماه هم اجازه داده ولی با او در این قول کسی موافقت
 ننموده و قول اول به احتیاط اقرب است . و دیگر هرگاه ننگ
 زن پاره یا کهنه باشد و شوهرش وعده کرده بگیرد ، مادامی که
 ننگرت است غسل ساقط می باشد و این قول اجماعی است . اما

• کنهتک.

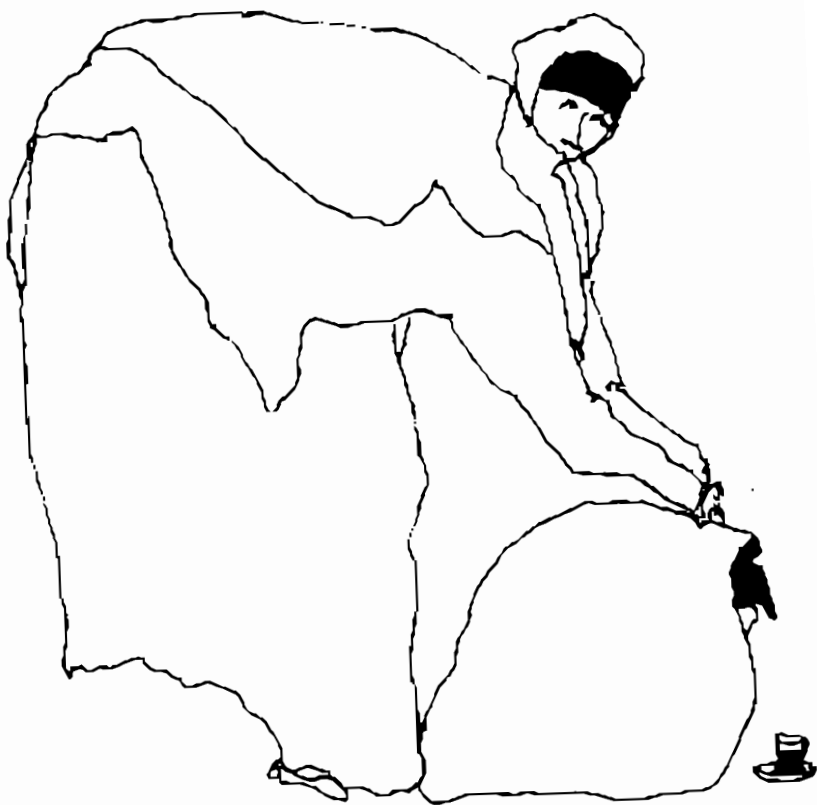


خاله جان آقاودده بزم آرا گفته اند که اگر زن برادر شوهرش که او را جاری گویند ، لنگ نو داشته باشد و شوهر برای او نگیرد مادامی که شوهرش لنگ نگرفته باشد غسل از او ساقط است و هرگاه غسل کند فعل حرامی کرده باشد ، و برخی مکروه دانسته اند . و دیگر هرگاه مرد اجرت حمام زن را ندهد و بیرون رود ، غسل از آن زن ساقط است هر چند مدت بگذرد ؛ و جمعی تا سه روز فائل شده اند و دده بزم آرا گفته که اگر زن اطمینان دارد که بعد شوهر اجرت را خواهد داد جایز است از خود بدهد و غسل کند بعد از شوهر بگیرد . کسی در این قول با او موافقت ننموده و این قول خالی از اشکال نیست .



در بیان اوقاتی که نماز ساقط و ترك آن واجب است

اول در شب‌های عروسی. دوم در حضور ساززن و نقاره‌چی. سوم وقتی که زن خویشان خود را در حمام ببیند لازم است که ترك نماز کند و حالات شوهر را به خویشان گوید. چهارم روزی که به موعظه شب‌ن رفته باشد. پنجم روزی که جامه نپوشیده باشد و نرسد که خرد و ضایع شود، در این صورت خاله‌جان آقا ترددی دارد و گفته که ترك نماز مستحب است نه واجب و این قول خالی از قوه نیست. ششم روزی که زن، زینت عید کرده باشد؛ یا به عروسی رفته یا زنی که شوهرش در سفر مانده باشد. و این قول اجماعی است و در چند جای دیگر هم وجوب ترك نماز را نوشته‌اند که چون سندش ضعیف بود و اختلاف داشت ایراد نشد.



در بیان روزه

بدان که زنان را چندین روزه می‌باشد که به آن روزه به
مطلب خود می‌رسند .

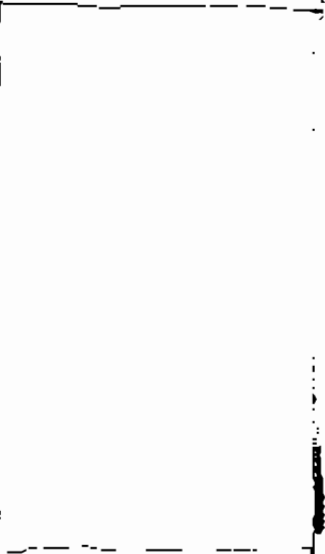
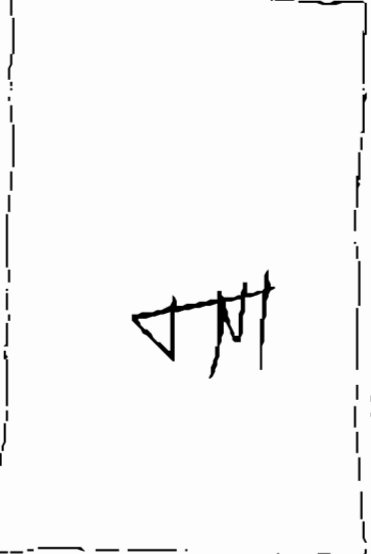
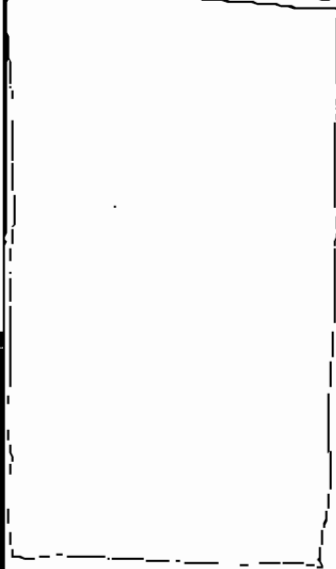
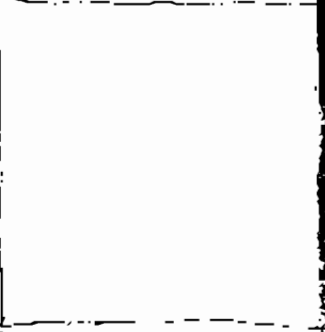
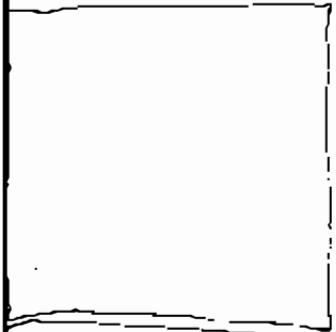
اول روزه مرتضی علی ، و آداب آن این است که باید حرف
نزند و از جهت افطار به خانه هارک گدایی کند . به این نحو که به
درخانه ها قاشق بزند و بادم در نکوبد و از وجه گدایی برنج و
ماست و خرما بخرد ، و در وقت عصر پاره نه از همان اجناس
گدایی جلوی طبخ کرده و شب به آن ها افطار کند . کلثوم تنه و
باجی یاسن را اعضاء آن است که قاشق را به غریب بزند و این
احوط * می‌باشد ، و دده بزم آرا گفته اولی آن است که روزه را

• به احتیاط نزدیکتر .

روز دوشنبه بگیرد و این قول اقوی است .

دوم روزه هفدهم ماه رجب ، و آن تا ظهر است و ظهر باید
افطار به تند و کنجد کند . و بی بی شاه زینب گفته که کنجد و قند
از پول گدایی گرفته شود .

سوم ایضاً روزه مرتضی علی است ، و آداب آن این است
که از هفت خانه آب چاه بیاورد و با آن آب افطار کند و دو رکعت
نماز نیز بخواند . و بی بی شاه زینب گفته که باید از وجه گدایی يك



شع و يك كوزه بگيرد، و كلنومته شع را مسح می‌داند و این
مسئله در وجوب و استحباب اختلافی دارد، و خاله‌جان آقا گفته
که این روزه را دختر نذر کند و بگیرد که به شوهر برود، و بر سر او
زن دیگر - که به اصطلاح هوو گویند - نکند و حاجت او برآورده
شود. و بی‌بی شاه زینب و دده بزم آرا و کلنومته گفته‌اند که از
جهت گشادن بخت دختران و زود به شوهر رفتن ایشان به منار مشهور
کون برنجی رفته بگویند:



ای منار کون یرنجی حرفیت می زئم زئم نرنجی
میون من دسته می خواد مرد کمر بسته می خواد
بعضی برآند که باید گردکانی را روی پله گذارد و با مقعد
خود بشکند و کلثوم ننه می گوید که باید با طرف راست مقعد بشکند
و ایضاً کلثوم ننه گفته اگر دختر سرین* بر گوشت داشته باشد و
تواند گردکان را بشکند، باید نخه بر روی گردکان گذارد و مقمه
خود را بر نخه زند که به اسمان نخه گردکان را بشکند و این خالی
از قوه نیست .

د کل .



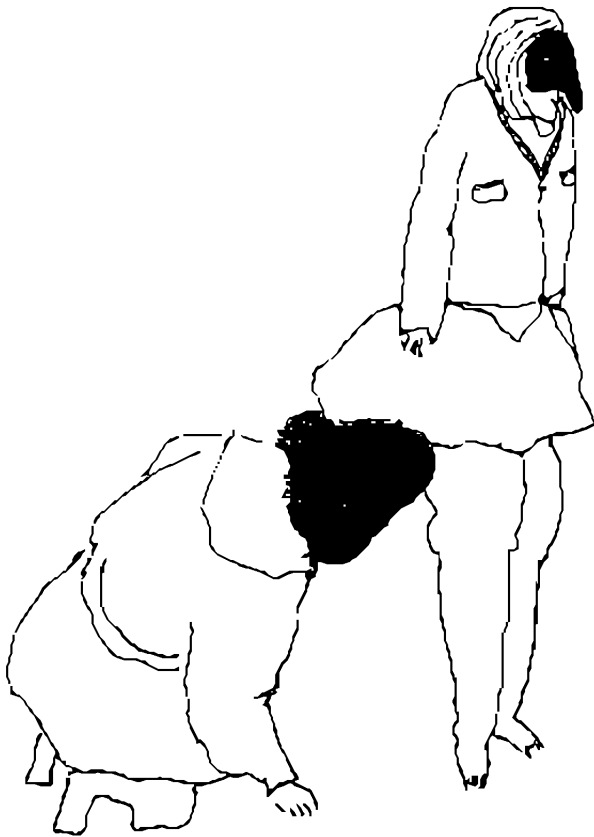
در بیان نکاح

واجب است تمام بندها را بگشایدحتی بند زیرجامه، وطشی
سرنگون گذارده در زیر آن چراغی بسوزاند از روغن طعام ؛ و
دختر بر روی زین بنشیند. و باجی یاسمن گفته هرگاه زین یافت
نشود بالشی گذارد و روی آن نشیند و قدری نبات بر بندازار خود
گذارد ؛ و بی‌بی شاه‌زینب آن را واجب و دیگران مسح می‌دانند؛
و کلثوم‌ننه گفته که هل نیز در میان دست خود بگیرد و خاله‌جان
آها گفته که آن نباتی که بر بندازار گذاشته در وقت بیرون آوردن
به دست خود به دهن داماد گذارد که در نظر داماد بسیار شیرین
می‌نماید و این قول خالی از قوه نیست .

و دیگر چادری که داماد آورده در وقت عقد باید بر سر عروس



انداخت. و جمیع علماء اتفاق دارند که هیچک از لباس های عروس نباید گره داشته باشد زیرا که گره به کارش می افتد ؛ و دده بزم آرا گفته که عروس در وقت عقد بر آینه نظر کند ؛ و خاله جان آقا گفته که در وقت عقد مسح است که تخم مرغ ، عروس به دست خود بگیرد ، در وقت برخاستن رو به قبله آن تخم رایه دیوار زند ؛ و کلثوم تنه این را اسراف می داند و خاله جان آقا ذکر کرده که هر دختری که خواهد بختش باز شود ، ابریشم سبزی به سوزن کشیده و در وقت عقد بستن عروس ؛ آن سوزن را فرو کند در چادر عروس و بعد بردارد و بر سر خود زند که مجرب است.



و دیگر ، دختران مادامی که به شوهر نرفته باشند نوره ❁
کشیدن مکروه است ، و یاجی یاسن گفته که دختر باید از الامو
را به بند انداختن بکند ، و دده بزم آرا به سوزانیدن فائل است . و
بی بی شاه زینب گفته که زائل کردن مو مکروه است ، قبل از شوهر
کردن هر چند صد ساله باشد و مویش يك چارك باشد اما کسی با او
موافقت ننموده .

و دیگر از مسائل مهمه عروسی آن است که در موقع حمام
بردن عروس را لقلغه ❁❁ بسالند که بدن و فرجش نرم و تازك باشد
که مناسب این مقام شاعر گفته :

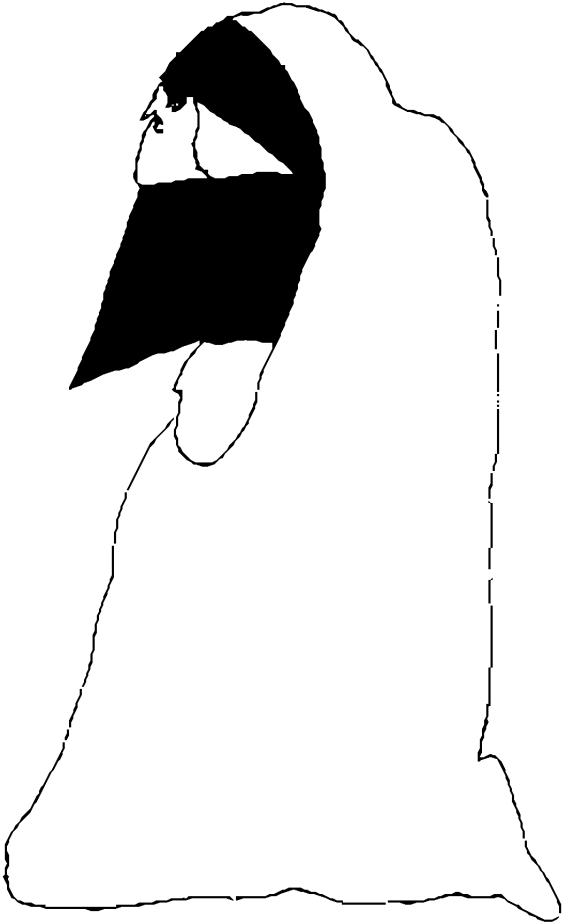
• و اجبی کشیدن .
❁❁ یا لخلخه ؛ ترکیبی است از طریقات مختلف مانند شك و منبر و
کافور و نظایر آن .

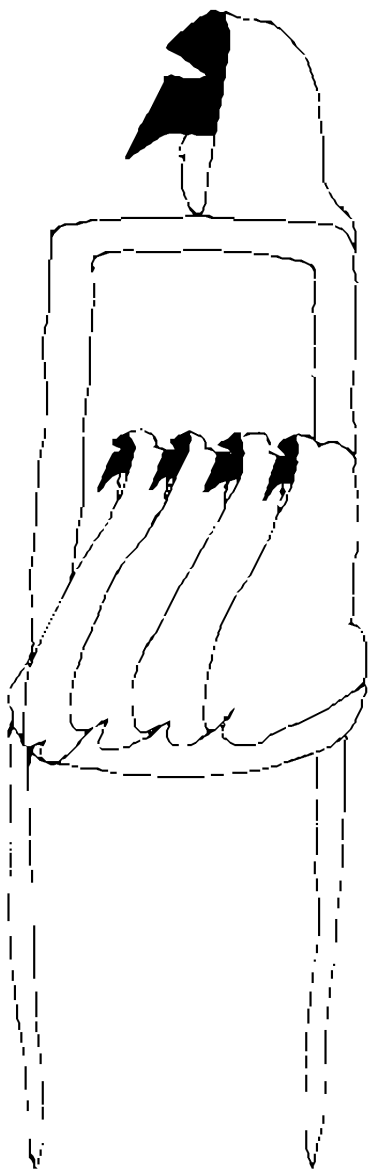
ز ضرب لغفه از بکه بد صاف

ز سینه بوسه می غلطید زاناف

اجزای لغفه از این قرارند : کترای سفیدی و گل خطمی و
مرق بنفشه و عنبر . باجی یاسن گفته که داخل کردن مشک واجب
است ؛ و بعضی مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند .

و دیگر ، بند انداختن دختران را و گریستن ایشان را ، کلثوم
نه مستحب می دانند ؛ و بعضی مکروه می دانند ؛ و بعضی واجب ، و

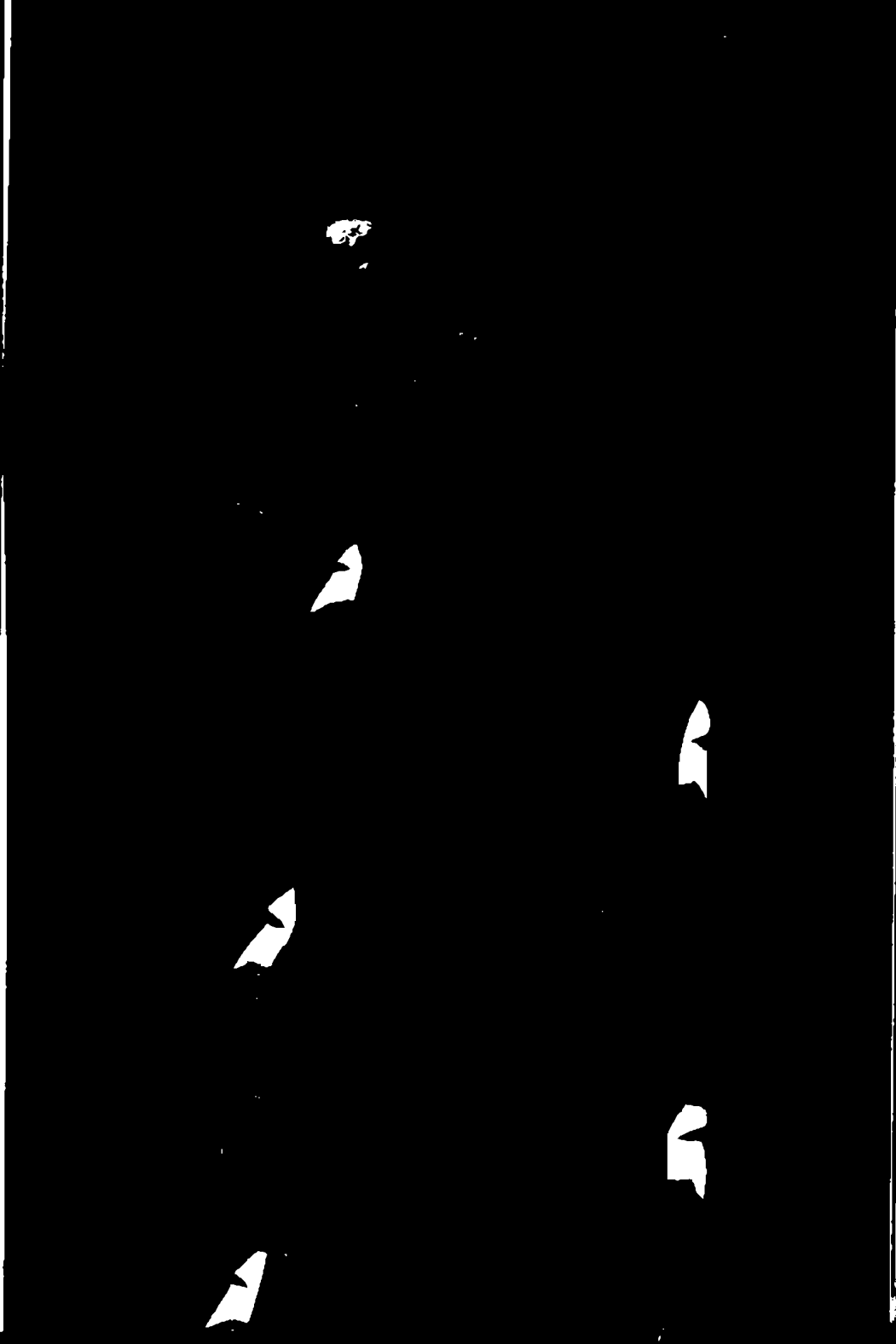




این قول اقوی است. و اعتماد اکثر علماءست که دختران در موقعی که خانه هستند در باب شوهر کردن خود باید دعا کنند حاجتشان برآورده می شود، و در وقت آمدن دلاله* زینت کردن و در پشت کار نشستن که بند** خود را بر دلاله ظاهر سازند، واجب است؛ و بی بی شاه زینب پشت کار نشستن را مستحب دانسته و این قول به احتیاط اقرب است.

• زنی که برای دختران ترکیه و زنان بیوه شوهر، و برای مردان زن پیدا کند.

•• هنر و فن که اکنون نندگینند.



در بیان احکام شب زفاف

بدان که گریستن عروس و مادرش در شب عروسی واجب است ، و داماد هم به تمامی زن هائی که در آن خانه هستند محرم است . و دوهنم آرا گنجه داماد با هر زنی ملاعبت و دستبازی * کند می تواند کرد . و باجی یا ممن و یا سایر علماء آمدن مادر عروس را به خانه داماد در شب عروسی فعل حرام می دانند و واجب است که عروس و داماد در شب زفاف پای راست را بر پشت پای یکدیگر گذارند و هر يك پیشتر گذارد ، از دیگری ساقط می شود ، و کلثوم ننه گفته که اگر شوهر مقدم دارد ، بر عروس غائب آید . اگر عروس مقدم دارد ، بر شوهر غالب آید . این امر تجربه شده است و اگر کسی عمدتاً ترک کند

* ملاعبت ، شوخی کردن مرد با زن .

ترك بکي از فراش کرده باشد و آثم است و اگر سهواً فراموش کرده باشد، قضا کند هر چند مدتی گذشته باشد.

و دیگر واجب است که در موقع آوردن عروس، شمع عروسی در جلو روی عروس باشد و بیش از يك ذرع و يك چارك فاصله نباشد. و خاله جان آقا تاسه ذرع نجویز کرده. و تقاره و سرنا و کسانی را که از عقب عروس می آیند، بی بی شاه زینب و خاله جان آقا و کثوم ننه واجب می دانند. و اهل خانه عروس را با داماد باید شربت بدهند. و کثوم ننه واجب می داند. بانجی یاسمن گفته که عروس را در خانه خودش مادر یا خواهر یا دلاله تعلیم کند که با شوهر حرف نزنند و چیزی نخورد تا شوهر چند چیز به او ببخشد



و یا به گردن گیرد . و این را به اصطلاح دندان گلی * گویند ، و هیچ يك از علماء در این باب اختلاف نکرده اند .

و هرگاه شب زفاف باران آید ، باجی باسمن را اعتقاد آنست که عروس ته دیگ خورده است .

و دیگر نبات به دهن یکدیگر ریختن عروس و داماد را واجب است و از شیرینکاری هاست . و در آینه نظر کردن بر هر دو واجب است . و بی بی شاد زینب گفته که نقل بر سر آنها ریختن از واجبات است و نیز واجب است که آن زنانی که حاضرند نقل را از سر آنان بربایند و این را به اصطلاح گشایش گویند و خاله جان آقا گفته که اگر نقل بر سر مندبل ** داماد مانده باشد هر که آن را بردارد و به جهت مطنبی بخورد البته مرادش برآورده شود ، و دایره زدن

* رونمایی داماد به عروس در شب زفاف .

** عمامه . دستار .



واجب است و خواندن زنان به صدای بلند که :

بادا بادا ، خانوم مبارک بادا

امشب چه شب است؟ شب وصال است امشب

این خانه پر از شمع و چراغست امشب

آقا مبارک بادا، خانم مبارک بادا، جانم مبارک بادا...*

تا آخر اجماعی علماست و این تصنیف واجب است خواندن.

دیگر رختخواب داماد و عروس را بساید زنی بیندازد که

نیکبخت باشد یعنی هو و نداشته باشد و دوشوهر نکرده باشد و شوهر

دوست باشد . و نیز واجب است همه زن های حاضر در پشت در

* در نسخه چاپ مشهد چنین آمده است .

بادا بادا بادا خانم مبارک باد

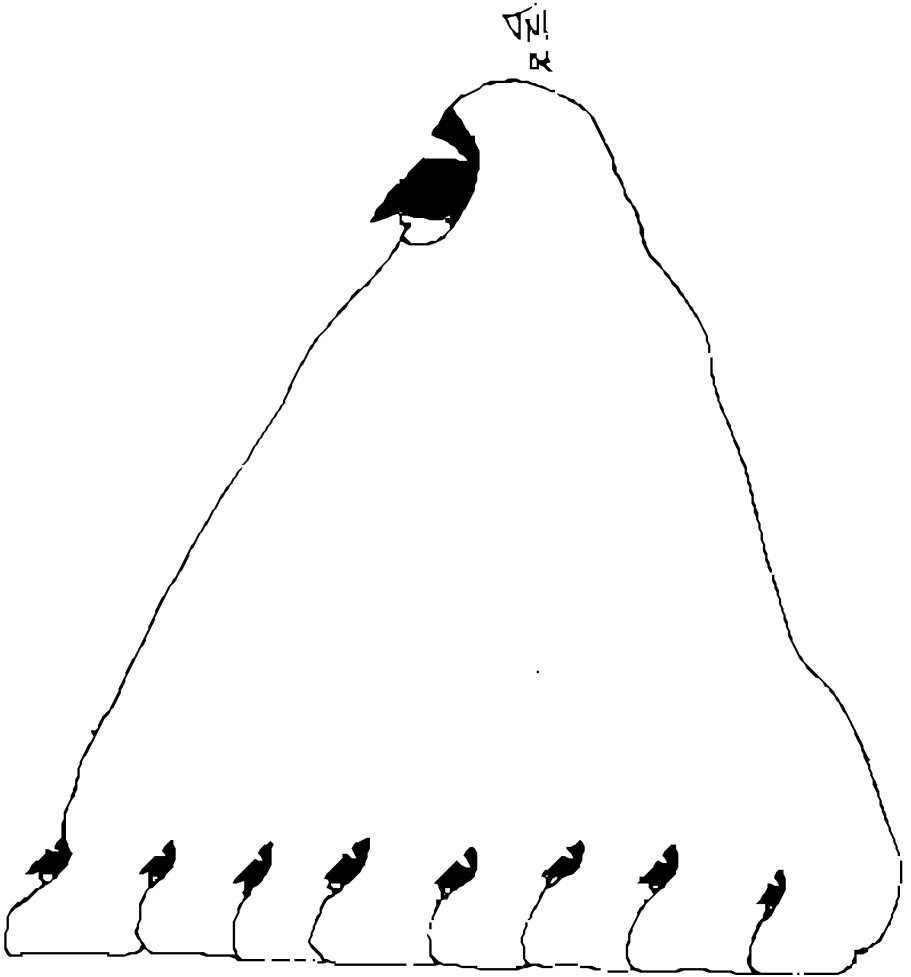
امشب چه شب است شب وصال است

این خانه پر از چراغ و لاله است.



و پنجره های اطاق عروس و داماد بنشینند و حرکات و اقوال آن‌ها را ببینند و بشنوند ، و بعد از آن در وقت نماز، نماز را ترك نمایند و آنچه را دیده و شنیده‌اند به یکدیگر بگویند و بشنوند و بختند که ثواب بسیار دارد .

و نیز واجب است عروس را به مجلس در آورند و دایره زنند و رقص کنند و همان ابیات را بخوانند ، و اگر در شب مقاربت واقع شده باشد عروس باکره باشد ، خونی که از بکارت او آمده ، که زنان آن را در عرف نشان گویند ، به سینی گذارند و به نظر حاضرین رسانند تا عروس و منسوبانش سرخ روشوند و الا از لثه حیض کمتر شوند. و خاله جان آقا گفته که بهتر آنست که آن سینی از نقره باشد و کلثوم ننه گفته که اگر مقدور باشد از طلا بهتر است ؛ و دیگر واجب است که در آن روز مهل و گلاب به عروس دهند که اول پسرزاید و این قول قوتی دارد.



در بیان احکام و اعمال زائیدن زنان و ادعیه* وارده در باره زائو

بدان که وقتی زن را درد گیرد و دیرزاید و دیر فرزند از او متولد شود طریقه معالجه آن است که ماما خطاب کند به طفل و اشاره به فرج زائو کند و بگوید: رخت برای تو دوخته اند و آب به جهت شستن تو گرم کرده اند، چیزی باقی نداری زود بیرون بیا، و این مجرب است. و وقتی که وضع حمل شود زائو را به رخت خواب بخوابانند و طفل را نزد او بر زمین بگذارند و تا شش روز زائو را سفید آب به روی بمالند و میل** کنند و خال برابر و بگذارند و

* جبه دعا .
** آلتی چوبی بافتنی که بواسطه آن سرمه و تونیا به چشم کنند؛ خوب سرمه کشی .

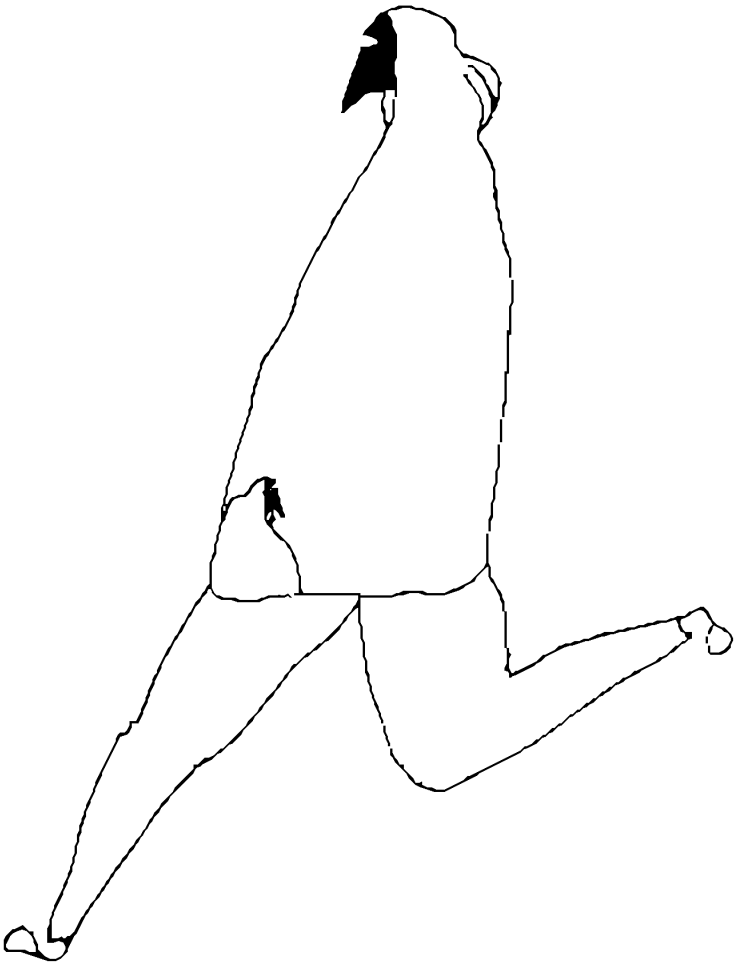
باید رختخواب زالوسرخ نباشد زیرا که آل ضرر می رساند و برای دفع ضرر آل، ماما باید شمشیر برهنه در دست گرفته چهار طرف اطاق را با سر شمشیر خط بکشد و در وقت خط کشیدن بگوید:

خش می کشم ، خش می کشم

خش های خش خش می کشم

و به زانو در رختخواب بگوید دورت را خش کشیدم و باید البته خش بگوید نه خط زیرا که آل ضرر می رساند . و دده بزم آرا گفته که شیر برهنه را بالای سر زالو بگذارند تا روز حمام رفتن ، و این معجز است به جهت دلخ آل .

و در باب ترکیب آل عشاء به اتفاق معتقدند که او بشکل زنی است ضعیف اندام و ضعیف صورت ، و موی سرخ دراز دارد و



ینی او از گل است چنانکه کلوم نه در وصف او گفته :

آل بشناختن بود مشکل

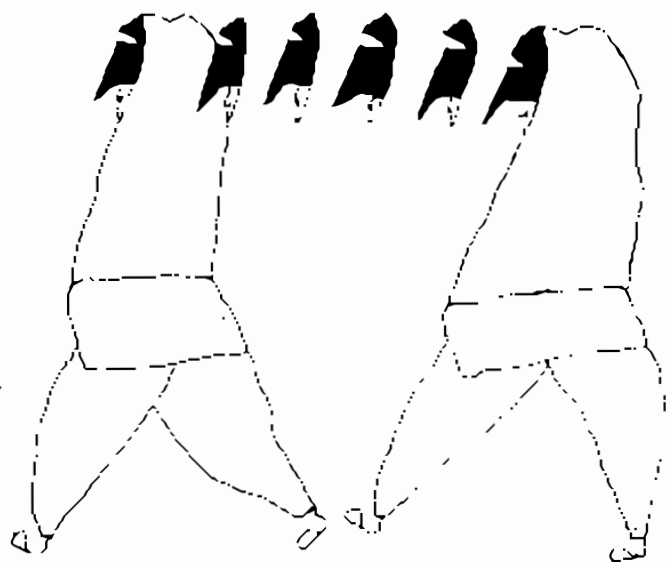
گیس او سرخ و بینی اش از گل

گر بینی بگیر ینی او

تاز زافو جگر نلزد و دل

از آن جا که این ملعون می آید و جگر زاتو را می دزدد
و از آب می گذراند، اکثر علماء گفته اند مادامی که از آب نگذشت
باشد علاج آن ممکن است و این قسم می توان کرد که آسی بیاورند و
مردان زافو جو ریخته، آب بخورد. و اگر به آب رسانیده باشد
دیگر علاج پلیرنیت و طفل شش شب باید روی زمین بخوابد و
مادرش شب هفتم باید او را به گهواره گذارد و آن شب را شب
خیر گویند، و باید شیرینی و خشکبار حاضر کنند و ماما دست بچه
را بادشمال بر پشت سرش بپند و اشیاء مذکوره را که به اصطلاح





توشه گویند به بچه بخوراند و این عبارت را به حضار بگوید:

بگیر بچه را!

و یکی بچه را از دست ماما گرفته به دیگری گوید:

بچه را بستان!

بعد از آن بگوید: خدا نگاه دارد، بچه را بگیرد، و به قول

دده بزم آرا هر یک از زنان حاضر باید چیزی به ماما بدهند و لویک

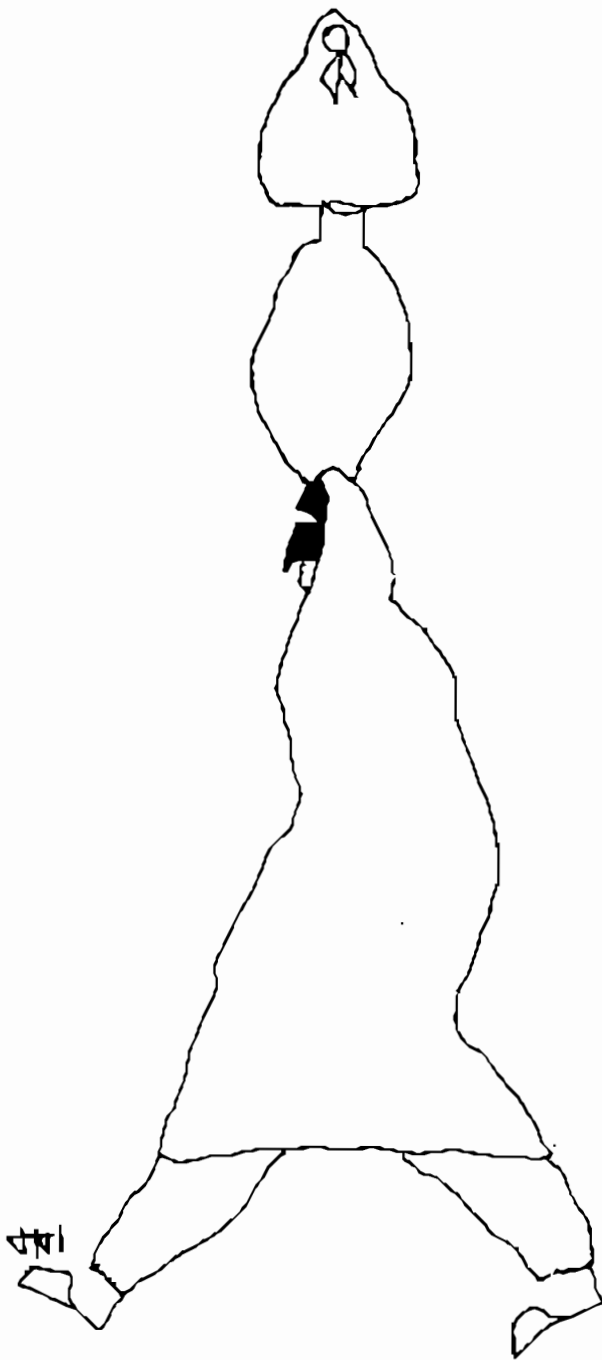
سوزن و سنجاق هم باشد.

و خاله جان آفا گفته که باید ماما گمردکانی را در بالای

گهواره بشکند و در حین شکستن رو به طفل کرده بگوید که اگر صدایی

می‌شود، ترس. و اگر پدر و مادر نزاع کنند نرس و اگر مگک و کلاغ با هم صدا کنند ترس.

و دیگر زائو را وقتی که به حمام می‌برند گردکانی را زائو باید خود بشکند و این خالی از قوه نیست و سه عدد پیاز یا پنج عدد در وقت زائیدن یا خوابانیدن نزد او بگذارند و باید پیازها را به میخ آهن بکشند و در روز حمام رفتن باید زائو پیازها را از سیخ برآورده به آب روان اندازد. و دده بزم آرا گفته که مغز آن گردکان را که زائو به پای خود شکست بخورد برای درد دندان بسیار نافع است و بعد از آنکه به حمام بروند باید که در سر حمام سازنده حاضر نمایند و چراغان کنند و اگر این را مستحب می‌دانند و بعضی

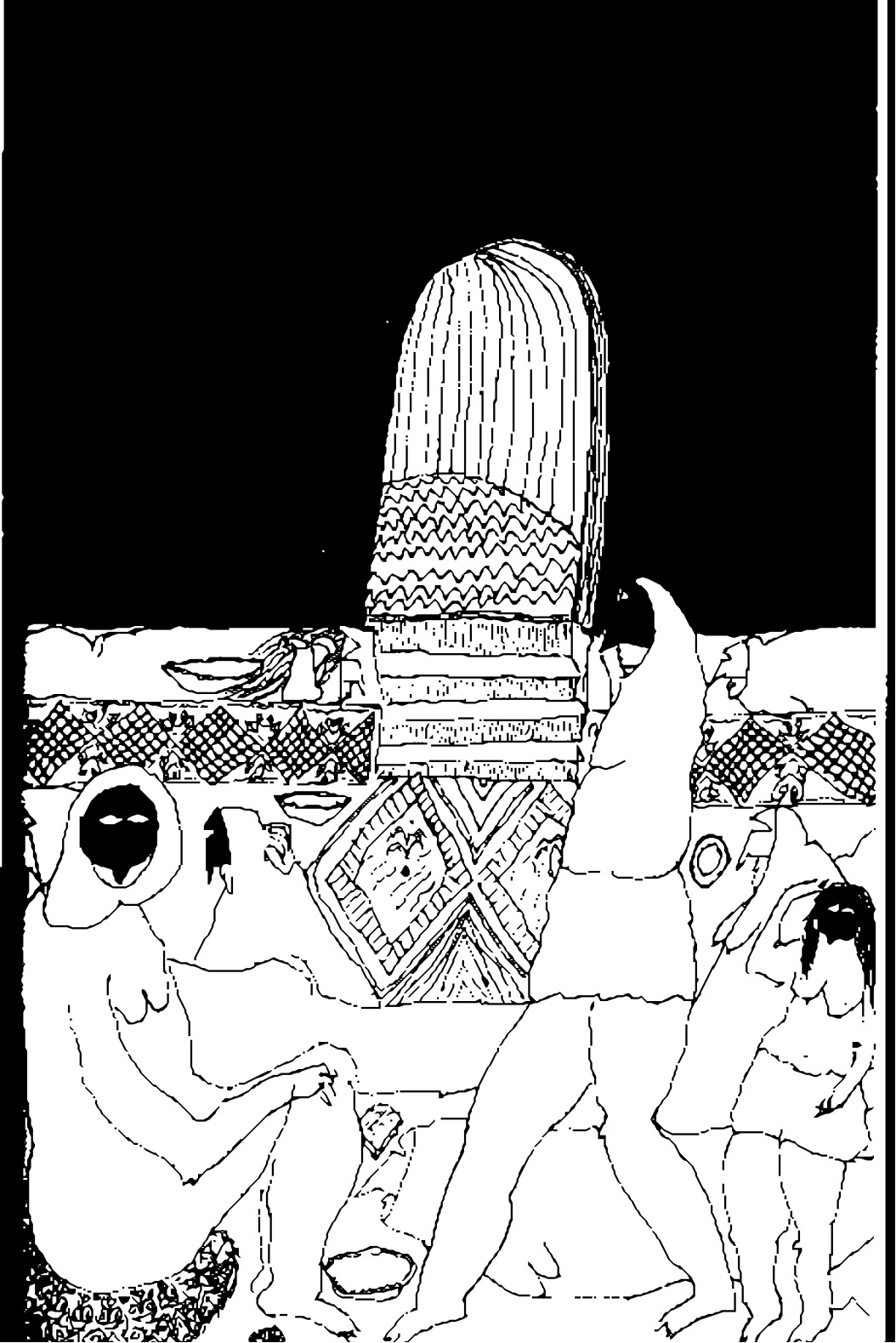


147

واجب می‌دانند. باجی باسن گفته که قاووت* نیز زائو باید بخورد
و کلثوم نه گفته که این قاووت باید از نخود و قند باشد و باجی
باسن از چیز دیگر نیز تجویز کرده.

و بعد از آنکه زائو را از حمام بیرون آوردند باید که سفیدی
نخم مرغ را تمام بر آرند و نبات و دارچین و هل را سائیده بر
روی او پاشیده زائو از آن بخورد و بعضی هفت عدد گفته‌اند و تا
نه دانه هم گفته‌اند؛ و آن کسانی که با زائو هسته منتهج است که
هر کدام يك عدد یا بیشتر بخورند. و دده بزم آرا گفته که هرگاه
از شمع عروسی چیزی باقی مانده باشد در سر حمام سوزانیدن
منتهج است و جمعی گفته‌اند واجب است.

* مخلوط آرد حیوانات بوداده با شیرینی عسك ، نرمه آرد نخودچی
که با قند نرم مخلوط کنند.



باب هفتم

در بیان حمام رفتن

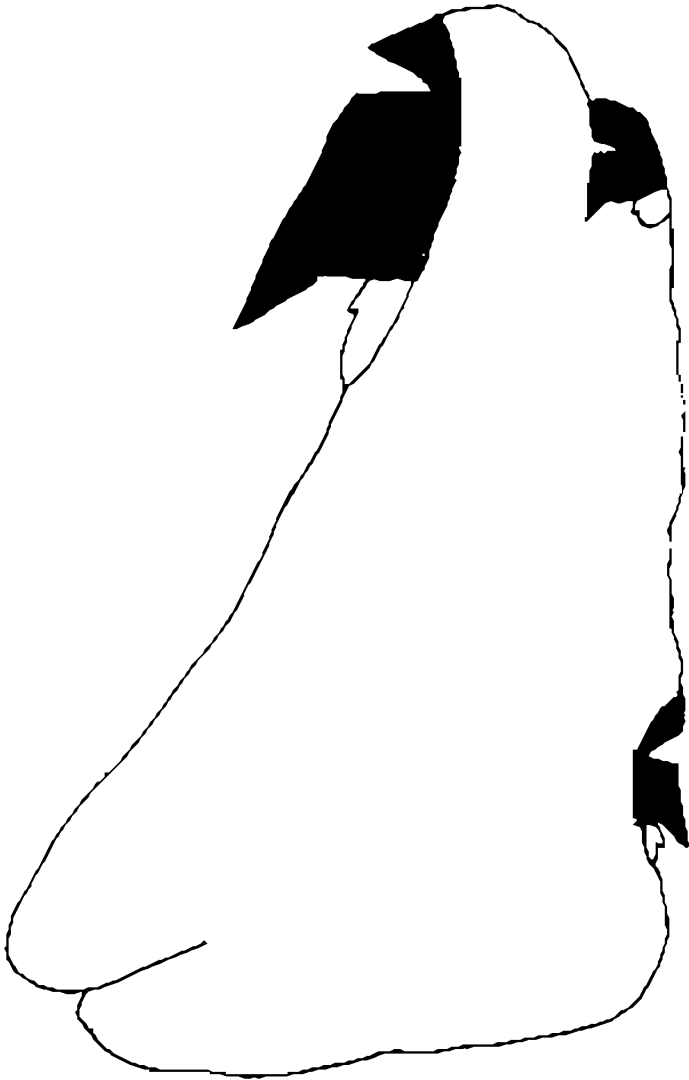
بدان که اکثر علمای زنان گویند که ستر عورت پیش، واجب نیست بلکه کشف آن واجب است؛ و جمعی را عقیده این است که باید دوطرف باز باشد. و باجی یاسن گفته اگر زن لنگ نو داشته باشد باید ببندد و در وقت صابون زدن خصوصاً نوره مالیدن باید لنگ بردارد. و پاره‌ای از علماء این امر را واجب و برخی مستحب می‌دانند، اجمالاً ترك نشود.

و دیگر در وقت نوره کشیدن باید زن‌ها دور هم حلقه زنند و کشف عورت نموده، مشغول شوند و اختلاط* نمایند. و کلتوم‌ته گوید باید حرفی که مابین زن و شوهر ایشان گذشته بگویند. اما

• گفتگر کردن.

ماگولات که در حمام باید خورده شود : زردك و ترب را واجب دانسته اند ؛ و بحاله جان آقا گفته که خوردن ترهاله* در حمام از جهت رفع دردسرنافع است ؛ و باجی یاسمن گفته که خوردن کوکو و شامی و ماهی که از شب مانده باشد سنت مؤکد است و خیار خوردن را نیز تجویز کرده اند، و برخی دیگر خوردن آلوجه و نارنج و خربزه و هندوانه را موجب ثواب می دانند.

* هر خوردنی که لوله سزه باشد ؛ برگه زرد آلود خشک .





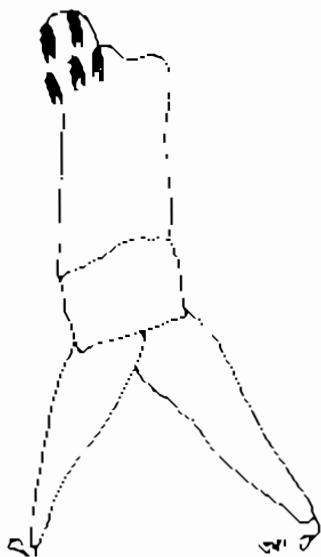
باب هشتم

در بیان سازها و افعال آنها

بدان که دایره زدن ثواب عظیم دارد خصوصاً چهل حلقه ،
و هر چه وسیع تر باشد ثوابش بیشتر است. و هیچ يك از علماء اختلاف
نکرده اند و واجب است که در هر خانه دایره بوده باشد و اگر نباشد،
کلتوم نه گفته که در عوض در و پنجره و کرسی و سینی می توان
زد و اگر هیچك از این ها یافت نشود مرد و دست را بر هم زنند،
و این خالی از قره نیست .

بدان که سیزدهم صفر و چهارشنبه آخر صفر که در اصطلاح
چهارشنبه سوری گویند واجب است زدن سازها، چون این دو روز
بلاى بسیار از آسمان نازل می شود، به سبب زدن سازها رفع بلا
می شود. و در عروسی ها و عیادها و حنابندانها و در وقت آمدن



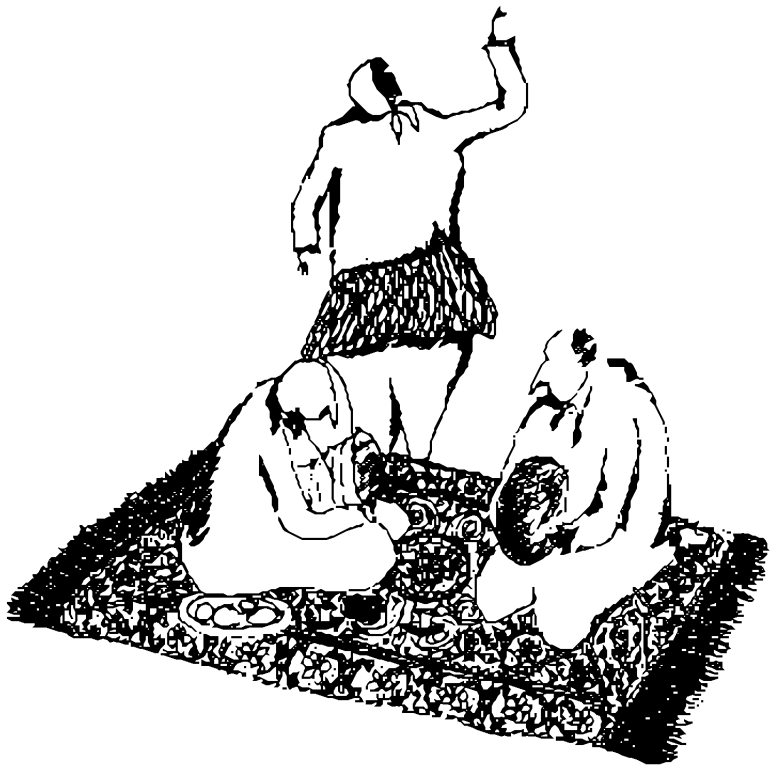


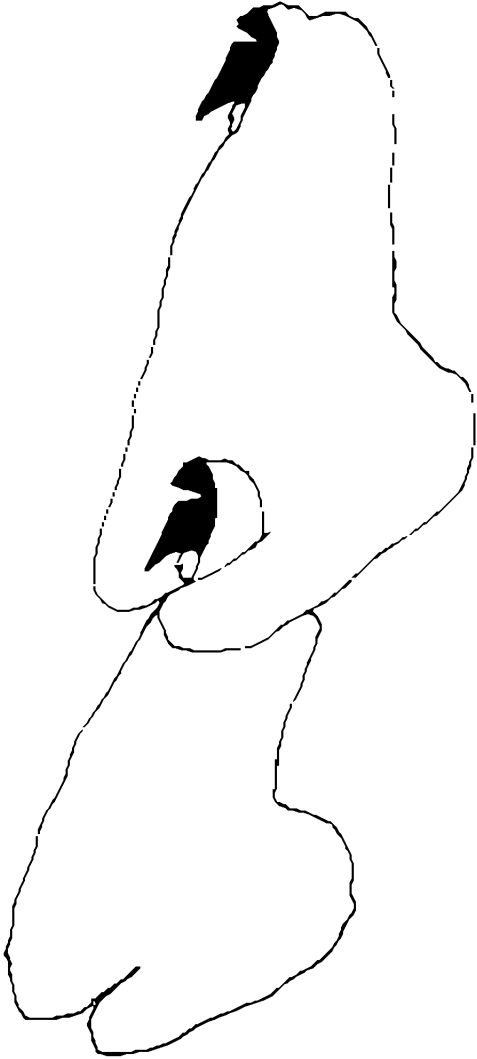
سفری* و متولد شدن فرزند، در این اوقات زدن ساز واجب است. و در سایر اوقات مستحب است. در وقت آمدن نقاره چی واجب است که نقاره بزنند که بدون نقاره، شگون ندارد که نقاره چی از خانه بیرون رود. و خاله جان آلامخته واجب است که همه زنان به در خانه روند و اگر زنی در نماز باشد واجب است که قطع نماز کند. و باجی یاسمن گفته

• سافر.



که باید زنان بر نقاره‌چی ملام کنند و این مستحب است. و اما گریختن از نقاره‌چی مذموم است به اعتقاد باجی یاسمن و دده بزم آرا، و این قول خالی از قوه نیست. کلثوم نه گفته که در وقت غروب آفتاب نقاره مستحب است که بکوبند، و باجی یاسمن واجب دانسته و این اجماعی علماست که هرگاه زنی ابتدا به کاری کرده باشد و صدای نقاره‌چی بشنود، بهشت بر او واجب گردد.

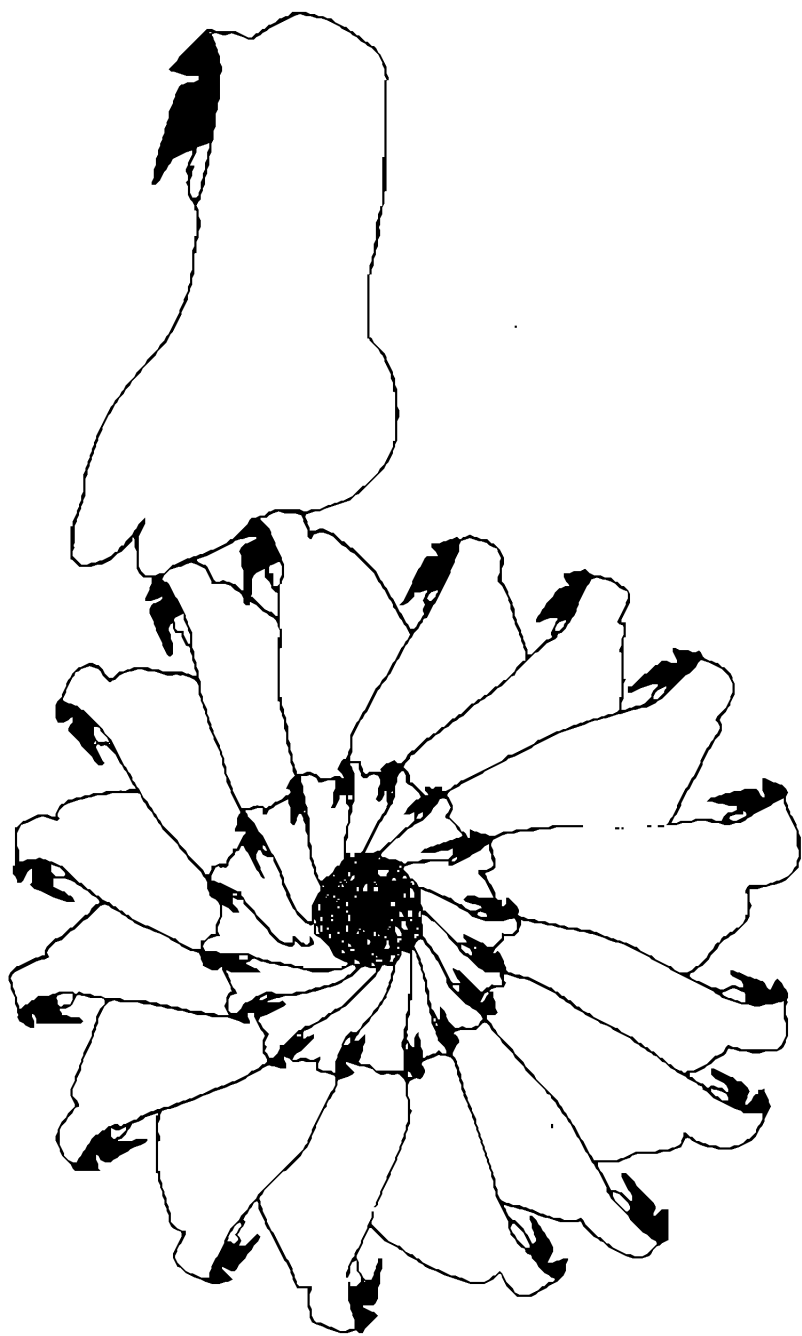




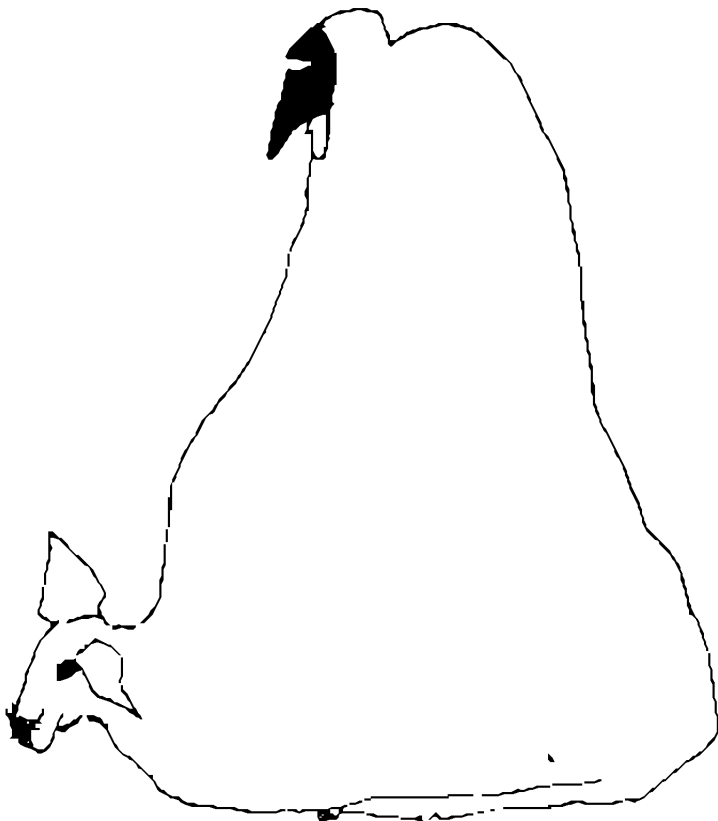
در بیان معاشرت زنان با شوهران خود

بدان که زن وختی از شوهر راضی شود که زن دیگر نگردد و در شب و روز با او صحبت بدارد و هرچه او را امر کند بزودی انجام دهد و هر وقت از خانه بیرون رود چیزی از برای او خرید کند و بیاورد، و بی‌بی‌شاه زینب گفته که هرگاه زن از خانه بیرون رود، مرد منع نکند. و دده بزم آرا گفته است که باید پول به زنان داد به جهت آجیل ایشان، و هرگاه مرد ندهد، زن خرده دخیلی* کند گناهی نکرده است. و اجسامی عیاست که عروس باید با مادر شوهر و خواهر شوهر وزن برادر شوهر که جاری یا - یاد - گویند؛ دشمنی نماید و همچنین آن‌ها و اگر دردل با هم دوست باشند،

* از سر خراج (خانه و...) زدن و به جیب خود ریختن.



در ظاهر با هم دشمنی بکنند که از جمله واجبات است و بی‌بی‌شاه
زیب گفته که هروس باید هرچه مادر شوهر گوید برخلاف رفتار
نماید و مادر شوهر همیشه شکوهٔ عروس را به سر کند و زن باید
که هرچه بتواند اقتراباً به خواهر شوهر بندد. و کلثوم نه گفته هرگاه
مابین آنها نزاع واقع شود باید که اعضای یکدیگر را به دندان
بگیرند و در نهایت شدت و غضب بکنند، خصوصاً گوشت فرج
یکدیگر را اگر بتوانند بگیرند بسیار ثواب دارد، و این را در لغت
زنان لقمه‌گویند. و نیز واجب است که اگر فرج زن صلحه خورده
است در وقت جماع به شوهر تقصیر را به گردن خواهرش گذارد
که با خواهرش کسر محبت و مهربانی کند شاید به این سبب کمتر
به خانه او آید، و این قول قوی دارد.

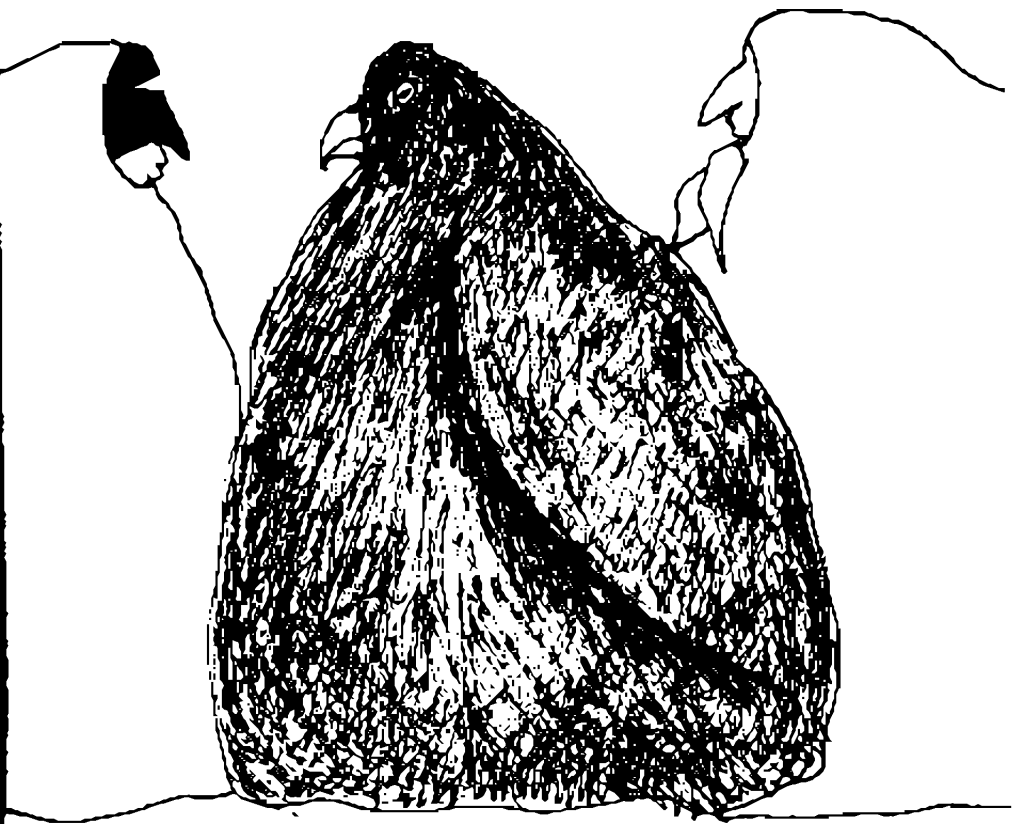


در بیان مطبوخالی که به نذر واجب می شود

اول سمنو* بدان که در وجه تسبیح سمنو اختلاف است ؛
بیمبی شاه زینب و خاله جان آقا را اعتقاد آن است که وقتی سمنو
را وضع کرده اند، سی من آرد و یک من گندم بوده است و آن در
نفرقالند سه من است که از کثرت استعمال سمنو شده است چنانکه
در رساله جداگانه متن و حاشیه تصریح نموده اند.

کثوم ننه گفته که سی من آرد و یک من گندم معلوم نیست
و این سمنو بدون هی، واقع شده است. و وجه تسبیح آن آنست که
چون مصالح و اجزای آن سه چیز است که آن آرد و آب و گندم باشد،

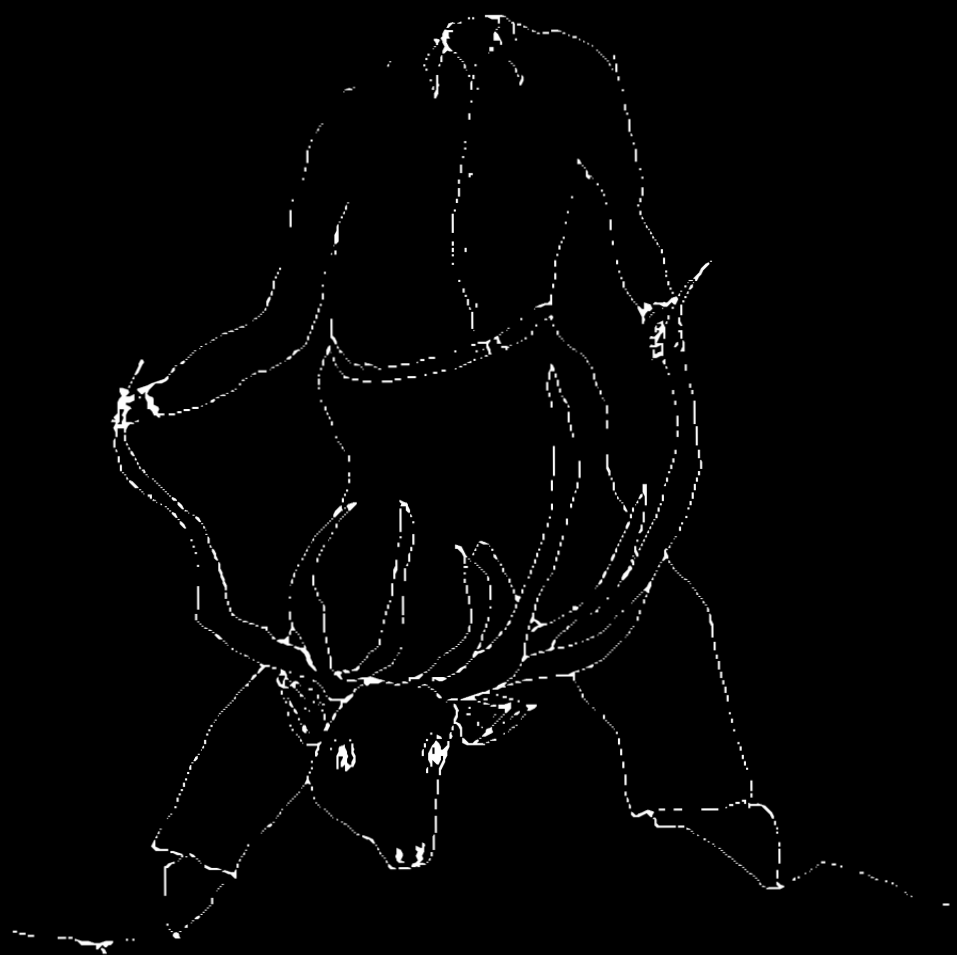
* نومی شیرینی که معمولا در هفت سین نوردوزگدارند. و نیز به نذر آن
که پسر بزایند یا بخت دخترشان باز شود؛ سمنو بار می کردند.



از این جهت سمنو گنجه شده است . و بعضی بحث کرده اند که پنج چیز است و گردو و بادام نیز دارد و بعضی گفته اند دو چیز ، وقتی که واضح وضع کرده بود ندانسته بلکه در آخر تصرف کرده اند و ظاهراً این قول اصح است .

و جمیع علماء را اعتماد آن است که از اعظام تلورات ، چهار چیز است: اول سمنو ، و در هر وقت می شود پخت . دوم شله زرد* ، و آن را باید در ماه محرم پخت گرچه برخی عقیده به تعیین وقت ندارند و به اجماع علماء هر وقت بخواهند توانند پخت . سوم حلزای سوهان ، که از سمنو پخته می شود . و کلثوم ننه گنجه که به بعضی می افتد خوب است و به بعضی نمی افتد بد است . چهارم آتش شله قلمکار** ، و آن نیز مشهور است و احتیاج به ذکر ندارد .

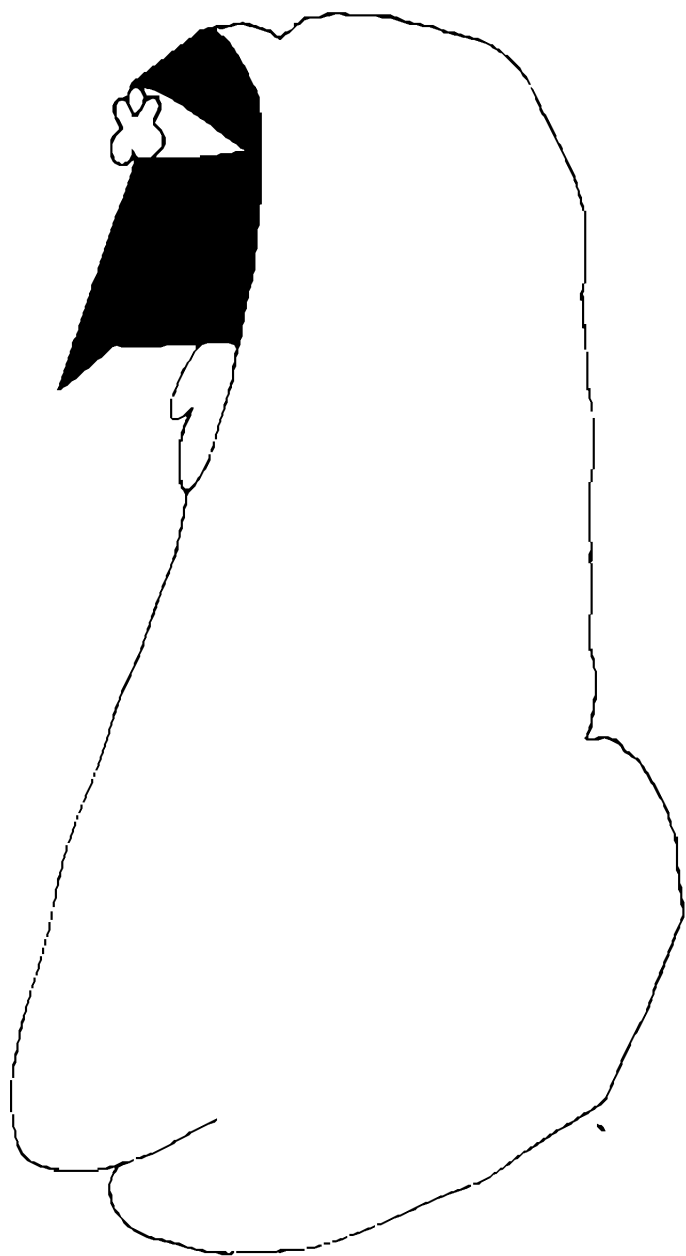
* لومی ظا . برای تهیه آن از برنج ، روغن ، شکر ، مغز بادام ، زعفران و گلاب استفاده می شود .
** لومی غذا . جهت تهیه آن از برنج ، عدس ، لوبیا ، نخود ، ماش ، پیاز ، گولت و سبزی استفاده می گردد .



در بیان تعویذ و چشم زخم

اول مهره های کبود که خوش رنگ باشد. دوم شاخ آهو. سوم ناخن بلنگ، و کلوم نه گفت که آن شاخ باید به نقره گرفته شود. چهارم مهره سفید که آن را کس گربه* گویند به اصطلاح زنان، و این عظیم تر است. پنجم نفس حمار و به قول اصح باید کوچکتر باشد از خرما خروک. و بعضی گفت اند که هر چه بزرگتر باشد بهتر است. ششم پارچه کبود که که به اتفاق جمیع علماء از جمله تعویذات جلیله است و خاله جان آقا گفته که باید پارچه کبود را در روز چهارشنبه پیش چشم بر بندد.

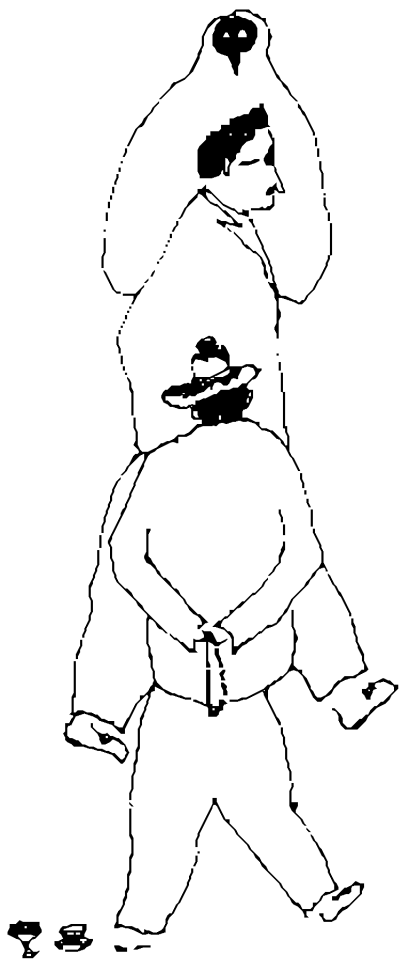
* سهره ای است که گویا از بقایای جانوران دوپایی و نرم تنان به دست آید و آن را در جزه نظر قربانی برای جلوگیری از چشم زدن بدگودگان می آویزند .
نر هتک لئات مامبانده سمدملی جالزاده .



هفتم بابا خوری که آن هم بهره‌است و این قول احوط است. و از این مقوله بسیار است که ذکر آن‌ها موجب تطویل کلام است. و بعضی بنیهٔ چهل رنگ گفته‌اند، و کثوم ننه گفته که این پارچه پشه‌ای باید هر یک از جای باشد و لازم است که از کسی گرفته باشند که داغ فرزند ندیده باشد و فرزندش مانده باشد، و این قول قوتی دارد. هشتم اسپند سوزاتیدن، بهتر آن است که در غروب آفتاب باشد و اکثر علماء قائلند که باید شبه خریده شود و این احوط است و بی‌بی شاه زیب گفته که هر گاه خواهند اثرش بیشتر باشد به دردکان عطاری روند و بگویند: اسپندداری؟ چون گوربدلی از آنجا بگذرند و در جای دیگر رفته بگیرند و این احوط است.

و آداب سوزانیدن امیند آن است که اگر شب جمعه بسوزانند
بهر است به اعتبار این که تمام بیماری ها رفع می شود. و اگر بر کف پا
بمالند برای هر علتی آن علت زایل گردد. و در وقت سوزانیدن بگویند:
بترکد چشم حساد و حسود بر افتد منافق و جهود. و بعد از آن اسم
دشمنان خود را که دانند بگویند. و از سیاهی اسپند، بعد از آن که
سوخته باشد، باید بر کف پا و دست و سرینی ایشان کشیده شود که
تأثیر عظیم دارد.





در بیان اقسام محرم و نامحرم

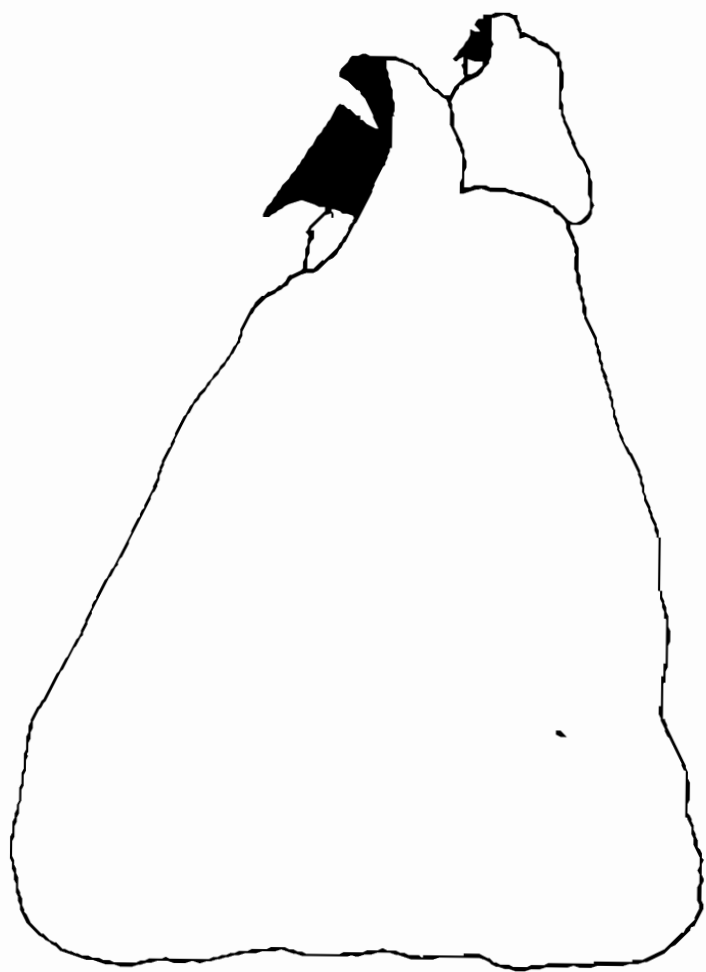
کسانی که نامحرمند اول عمامه بر، اگرچه کوچک و کتر از پانزده سال داشته باشد، ولی عمامه هر چه بزرگتر باشد صاحب آن بیشتر نامحرم است. و طالبان علم، در هر لباسی باشند. دیگر علماء و پیش‌نمازان و خدام مساجد و روضه‌خوان و واعظ و تاجر و کسانی که به حج رفته باشند. دیگر مؤذن. و واجب است این چند طبقه اگر محرم نسبی هم هستند مانند شوهر یا پسر خود و عمویا پسر برادر و پسر خواهر و دایی و حتی شوهر خود، زن از آن‌ها بگریزد و اجتناب نماید و الا گناه کرده است.

اما آنان که محرمند، یهودی براق فروش، سبزی فروش، زردک فروش، بزازه، پنبه عوض‌کن، طیب، رمال، دعانویس،



جادوگر، مطرب، نقاره‌چی، سرناچی، عمله، کلاه‌بسر، گل‌بیند
فروش . و دده بزم آرا فرماید که اگر یهودی برای فروش باشد و
اتفاقاً اودعانویس هم باشد، به اندازه‌ای محرم است که تا هم فیها
خالکون و اجتناب از او قتل حرام و جزء گناهان کبیره می‌باشد بلکه
این‌مرد اگر به‌خانه وارد شود باید احترامات او را بجا و حاجتش
را برآورد.





در بیان استجابت دعای زنان

در چند وقت دعای ایشان مستجاب می شود:

اول در وقت زدن نقاره، هیچ دعایی رد نمی شود و این دعا را بخوانند:

توكلوا على غير الله ان كنتم فاسقين وان تسمعون حرف الشيطان
فامسجدوا والقره ان كنتم ساجدين وادعوا بكم تترك الصوة واكل الصوم
ان كنتم سامعين. وتشتغلوا الضرب الدف والدنك ان كنتم عاقلين. اللهم
انى امك بل سلت غيرك ان يعقد لمان زوجى وزوجة اخيه وامه وایه
واخته ومرايه، وان يحفظنى من شر جميع اعدائى سيما ما ذكر اسمهم
وان يضىق اسافل اعضائى وان يقذف محبى فى قلب زوجى واذا مات
يبلغنى فى ساعته وفاته. استجب دعائى بحق اعدائك التلین البعارین

البیکارین یا اسم السامین.

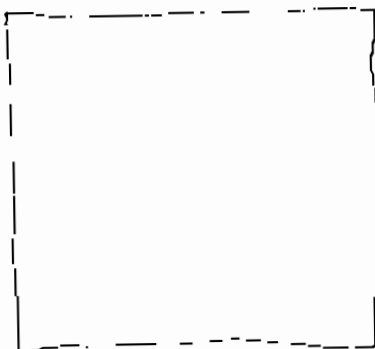
دوم در وقت زدن هر ساز، خواه سرنا باشد و خواه کمانچه و امثال این‌ها، و باجی یاسن گفته که وقت سوتک زدن البته دعا مستجاب است و این خالی از قوه نیست.

سوم در وقت باز کردن دیک حلیم و سنو و آش برنگ و برگ ریختن در دیگ، و باجی یاسن گفته که در وقت گندم ریختن نیز هیچ دعا رد نمی‌شود.

چهارم در وقت خوابتن عروس، باجی یاسن گفته و دده بزم - آرا نیز قائل است که دعا رد ندارد.

پنجم وقت خواب رفتن.

ششم وقت خسته کردن پسران. باجی یاسن گفته که وقتی که



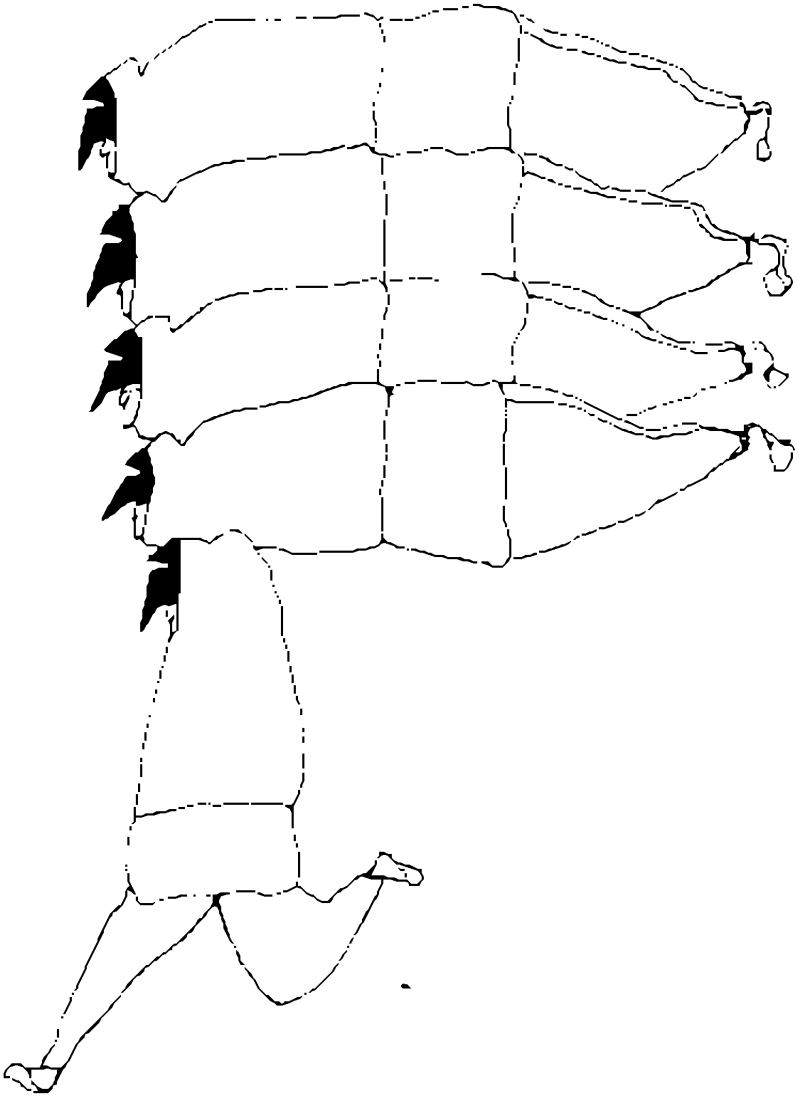
دلاک تیغ می زند و ذکر طفل را می برد هیچ دعا رد نمی شود بخصوص
دعای دخترانی که هنوز شوهر نرفته باشند.

هفتم در شب زفاف باید که دور هم بنشینند و حرف های شیرین
در میان آورند که باعث خشنودی مادر عروس شود. بعد دعا کنند که
مستجاب می شود.

هشتم وقت میوه بستن. باید روزی که انگور یا خربزه می بندند
بگویند که خربزه گرفتیم برای خرجی خانه. آن خربزه و انگور را به
سلامت بخورند.

نهم وقت جا کردن آذوقه سالیانه است. باید که آتش عدس
پیزند که باعث تیرک است.

دهم وقت عقد بستن و وقت تولد فرزند.

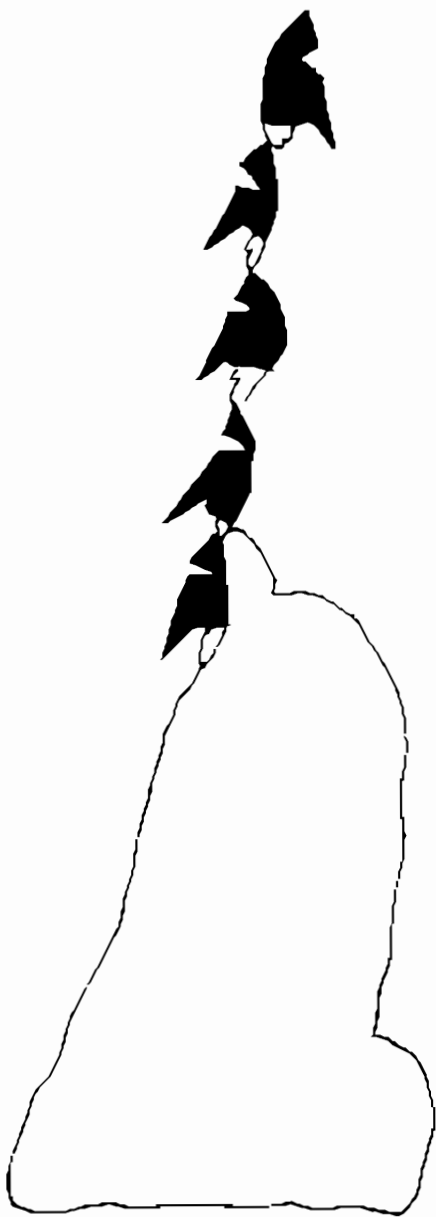


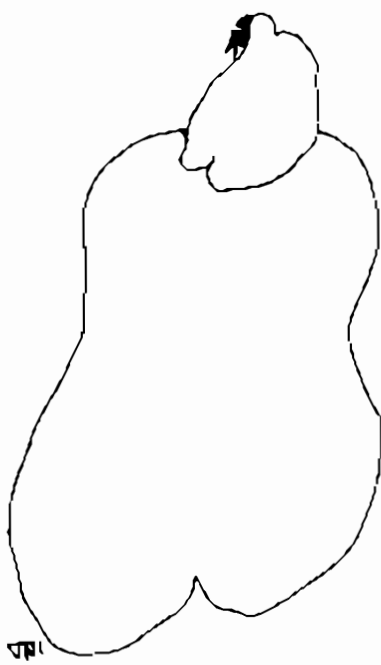
در بیان آمدن مهمان به خانه و بیرون رفتن و متعلقات آن

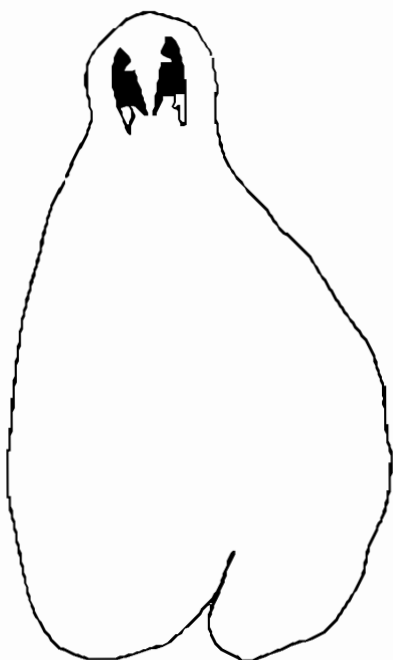
بدان که اجماع علماء بر این متفقند که در شب چهارشنبه نباید به خانه مهمان برود در شب جمعه نباید گذاشت که مهمان از خانه بیرون آید؛ زیرا که در شب چهارشنبه درد بد و آفت‌ها به خانه می‌آورد و در شب جمعه هر گاه بیرون رود برکت و رزق و ثواب بیرون می‌رود. و بی‌بی‌شاه زینب و دپه بزم آرا را اعتقاد آن است که سابق بر این دستور چنین بوده اما ماماله را چنین یافتیم که در شب یکشنبه مهمان به خانه نبرند و اگر در شب شنبه کسی مهمان شود شب یکشنبه رانساند و البته می‌رود و بعد برمی‌گردد. و مهمان تا سه روز اختیار با خودش می‌باشد و منت بر صاحب خانه ندارد و بعد از سه روز هر روز که می‌گذرد منت مهمان بر صاحب خانه است و مدت مهمان بودن از یک هفته

كشروازيك ماه بيترنيست و بايد هرزني كه به مهماني مي رود تمام اطفال خود را همراه ببرد، حتى طفل شيرخواره و دابه اش را نيز ببرد و قول بعضي از علماء اين است كه هرگاه در شب چهارشنبه كسي به شب نشيني برود و خواهد كه برگردد، يك دانه سنجاق به زبان گيرد و به خانه ميزبان به جاي خود اندازد.

و در وقت چيز خوردن ميهان هر چند كه مير شده باشد، بر ميزبان واجب است كه لقمه هاي بزرگ گرفته و به يادريك از خوبان او كه به خانه مانده اند و حاضر نيستند بدهد؛ و ايشان را درس سفره ياد كند كه جاي فلان خالي است.





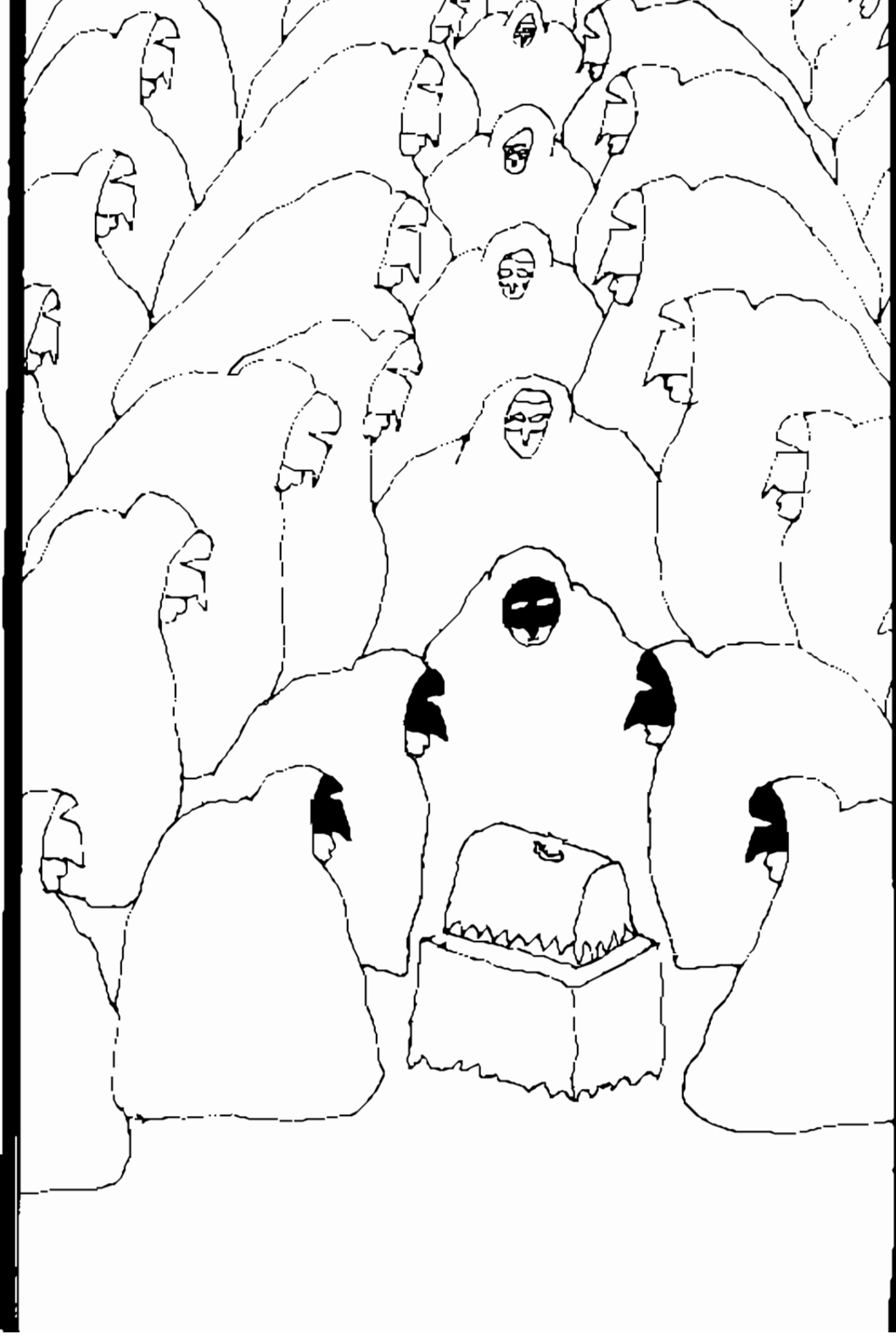


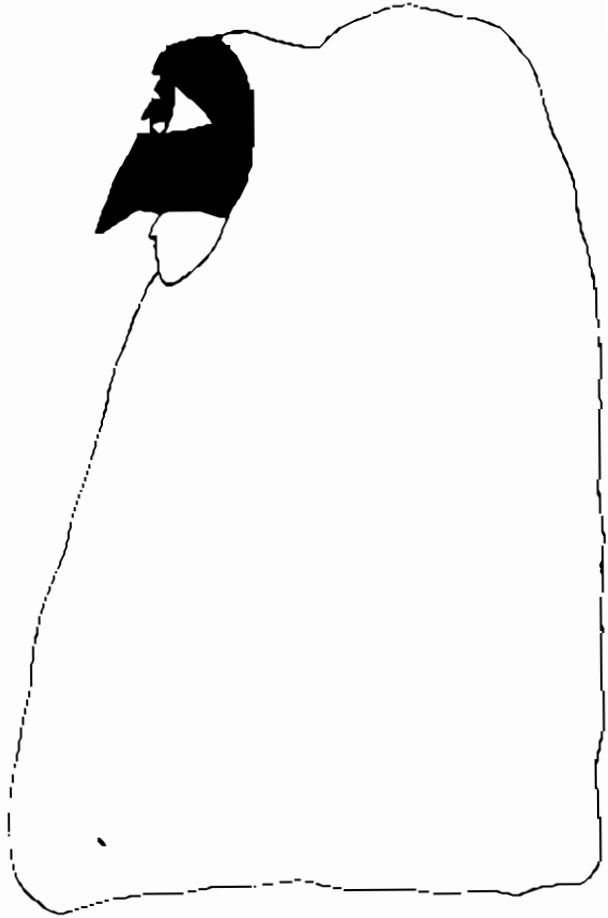
و یرمهمان واجب است که در وقت چیز خوردن به يك دلمه
چیز نخورد بلکه قدری بخورد و تأمل نماید و میزبان او را قسم دهد به جان
شوهر و فرزندان که چیز بخور و او مضایقه نماید و کم کم خورد.
و دیگر چون مهمان در جای باشد و صاحب خانه با حلال خود
مفاریت کند بر مهمان واجب است که از صاحب خانه چیزی بگیرد
بخورد مثل حلویات و نبات و خشکیار و این را به اصطلاح زنان
سلطان حقی می گویند .

و بر میزبان واجب است که از برای مهمان خربزه و هندوانه و
انار و سیب یا حلویات بیاورد و چون مهمان به خانه خود رود

واجب است که جاخالی* بفرستد مثل هل و میخک و غیر آن و جاخالی را فردای آن شب بفرستد. و بی‌بی‌شاه زینب گفت که يك روز بعد از رفتن مهمان احوط است. و باجی باسمن گفت که در جاخالی فرستادن کوتاهی نکند که از گناهان کبیره است، و هر کس ترك نکند جاخالی فرستادن مهمان را؛ خداوند خیر و برکت به او می‌دهد. و اجسامی عمل است که عروس سی‌ساله را هم باید جاخالی فرستاد.

• با جاخالی با آنچه بعرض هدیه فرستند کمی را که از جای رفته است.





در بیان صیفة خواهر خواندگی

جميع علماء اتفاق دارند که باید زن خواهر خوانده‌ای* داشته باشد و اگر کسی بمیرد و خواهر خوانده نداشته باشد چگوتنه ابد بهشت داشته باشد؛ و کسی که خواهر خوانده داشته و تمام او تانش را صرف آن کند در قیامت برای او حساب نخواهد بود و او را بی حساب داخل بهشت کنند. و بی بی شاه زینب گفته که اگر عمداً ترک کند آثم و گناهکار خواهد بود و بردین پهلوی و نصرانی خواهد مرد، و این قول نهایت قوت دارد.

در بیان روز صیفة خواهر خواندگی اجماعی علماست که این

* دختر یازنی که شخص او را به خواهری پذیرفته باشد. برای اطلاع بیشتر نگاه کنید به مقاله‌المناء، مسرود کتیرالمی، صفحات ۲۹ - ۳۸.

امر باید روز بعد غدیر واقع شود و در غیر این روز درست نیست و باید در یکی از اسامزاده‌ها خوانده شود و زدن دایره در آن وقت واجب است و نیز شربت باید بدهند ؛ و کیفیت خواهر خواندگی به فتوای کلثوم‌نه این است که یکی بگوید :

به حق شاه‌خیرگیر،

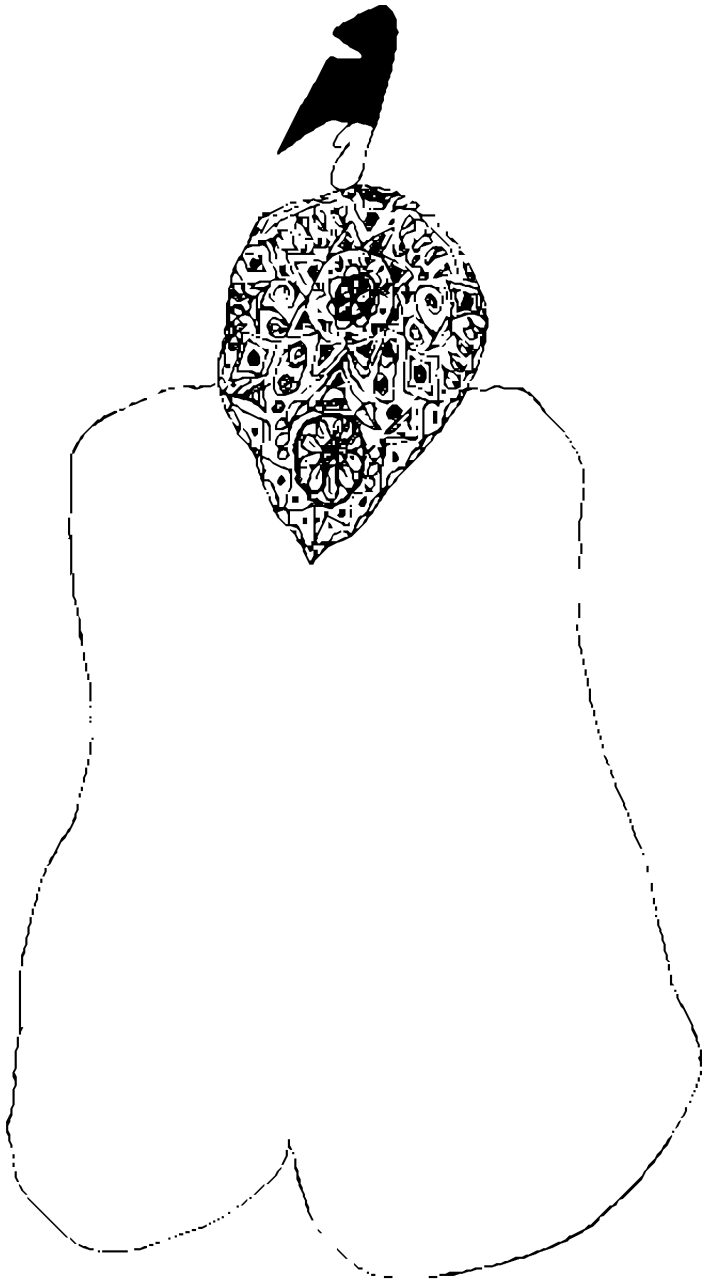
و دیگری بگوید:

خدایا مطلب ما را برآور و بپذیر.

دیگران به نحو دیگر گفته‌اند و در این باب اختلافی دارند ، اما این اقوی است و دستمال چند که باید خواهر خوانده‌ها داشته باشند به اجماع علماء چهارده دستمال است :

اول دستمال غمزه‌بند، و طریق بستن آن این است که باید بر پیشانی و دست راست بندد.

دوم دستمال عشره‌بند، و طریق بستن آن این است که بر یک طرف سر کج بسته شود.



سوم دستمال زلف بند، و طریق بشن آن این است که يك طرف پیشانی و يك طرف زلف را بگیرد.

چهارم دستمال یکه شاخ، که سردستمال را به سربند کرده و سردبگزش را به دوش انداخته دارد.

پنجم دستمال چکی چکی، که باید در آن روز آن را از زیر ذقن* برده سرهای آن را پشت سربند نماید.

ششم دستمال زنار بند، که باید آن را از پشت گردن در پیش سر کرده گره زنند.

هفتم دستمال بال بند، که باید آن را روی بازو بندد.

هشتم دستمال داغ بند، که باید آن را مابین دست و سرفق** بندد.

نهم دستمال مکن سرنگ ما، که باید آن را به پشت دست بندد به نحوی که انگشت بزرگ را نگیرد.

• چانه .
•• آرنج .



دھم دستمال حقہ بند، وطریق بستن آن این است کہ باید
بر ران، بروی زیر جامہ بند.

یازدھم دستمال سرخاب پیچ.

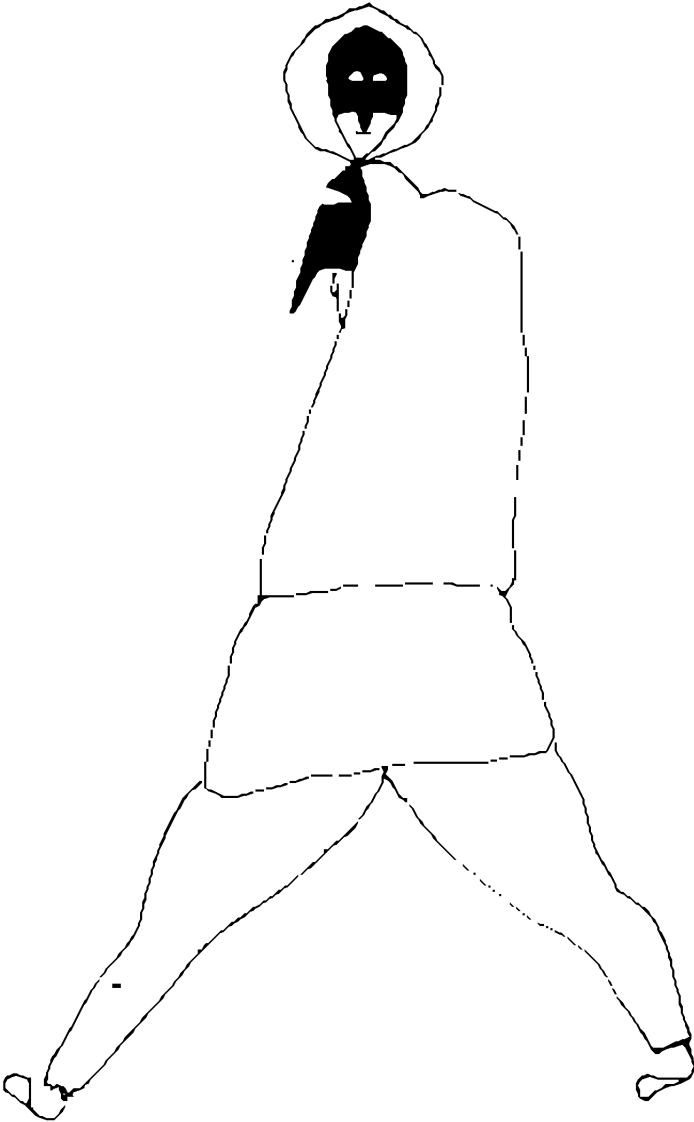
دوازدھم دستمال آجیل بند، کہ باید در مہمانی ہا داشته باشد
بہ جہت تنقل بستن.

سیزدھم دستمال فرق بند .

چہاردھم دستمال مزہ بند .

بدان کہ ہر گاہ دو زن بخواہند خواہر خوانندہ بشوند بدون
دیدن یکدیگر، اول زن معتبری کہ باید نہایت اعتماد بر او داشته باشد
کہ اوراد را اصطلاح پاسیز* گویند، و عروس چک از موم سازند و
کلثوم نہ گوید عروس چک در اصل عروس کوچک بودہ کہ از کثرت

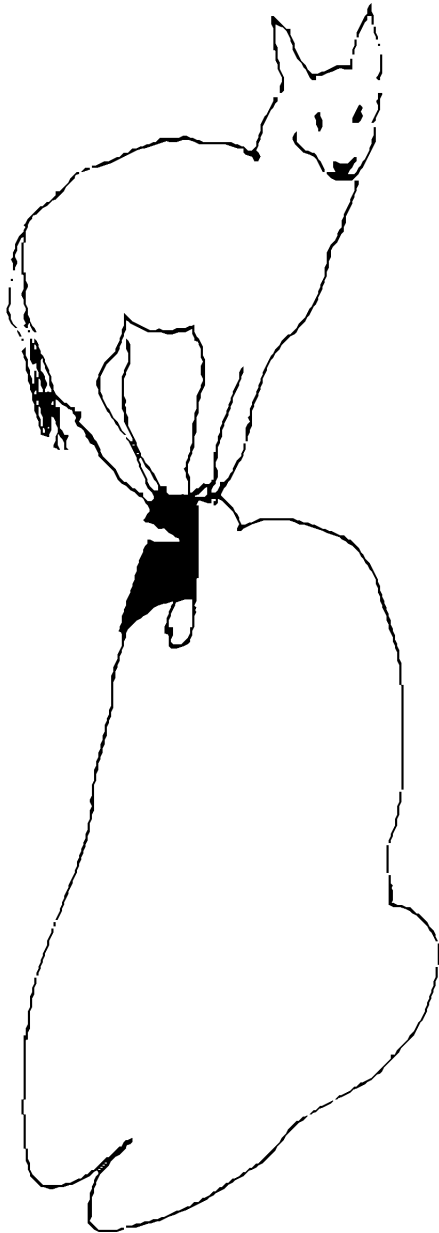
* بیانجی، دلال.



استعمال عروس چك شده و سایر علماء گفته اند این کاف کاف تصغیر است مانند پسرک و دخترک و غلامک - و باید خوان پوشی در نهایت زینت با يك خوان شیرینی درست کرده و عروس چك را بر روی خوان نشانده از برای آن که می خواهد با او خواهر خوانده شود بفرستد.

و اگر آن کس خواهد که خواهر خوانده شود، باید يك كجك نقره که آن را در اصطلاح زنان گلوبند نامند بر سر عروس چك بیندازد و پاسز را نیز خلعت دهد، و کثوم نه گفته لولو زربفت نیز کافی است و بعضی گفته اند که رخت ساده نیز کفایت می کند و قول اول اقوی است.

و هر گاه چنین رد و بدل شد معنی رضایت طرفین است و اگر هم طرف نخواهد که خواهر خوانده شود چادر سیاه بر سر عروس چك کرده پس می فرستد.



در بیان چیزهایی که بعد از خواهر خواندگی برای یکدیگر فرستند

و ذکر همه آن‌ها باعث طول کلام می‌شود، آن چه را علمای
خمس در آن اختلاف نداشته‌اند ما ذکر می‌کنیم و آن‌ها از این قرار
است :

هل درست، یعنی حلم دارم.

هل باز، یعنی هلاکم .

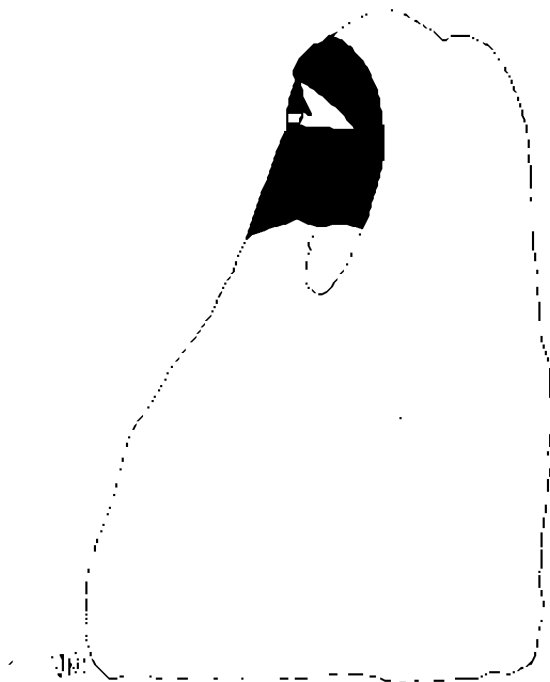
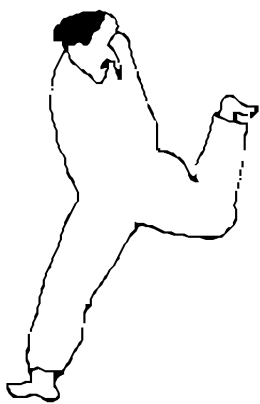
هل يك طرف پوست کنده، یعنی از حلم پاره پاره شدم.

میخك، یعنی کبابم .

دارچینی لوله، یعنی قریبات شوم .

دارچینی باز کرده، یعنی بیمارم، چکنم ؟

جوز درست، یعنی من از توام، هیچ غم نخورم.



جوز يك طرف سائده، یعنی درد وضعت دارم، این را
سائدهام توهم بمال .

تبات، یعنی در چشم من خیرنی.

صندل، یعنی همه وقت می بویست.

شیشه، یعنی دل من از دست تو تازک شده است .

عناّب، یعنی :

عناّب لب لعل ترا قند توان گفت

چیزی که به جایی نرسد چند توان گفت .

زعفران، یعنی :

زردم کردی چو زعفران مرده

تا چند خورم غم ترا یهوده .

انچوچك*، یعنی لعنت بر تو.

* یا انجکک، درختی که در ایران در جنگل‌های خشک فارس و کوه‌های
بختیاری و لرستان وجود دارد . دانه آن شبیه به دانه امروید و مغز آن سفید است و
آن را خورند .

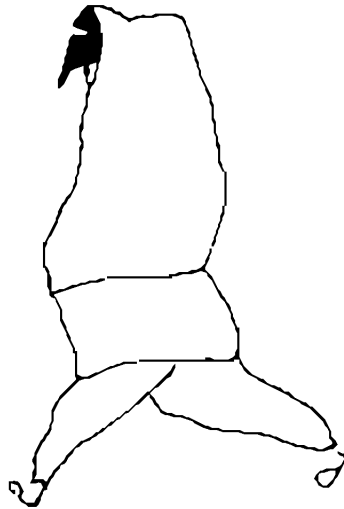
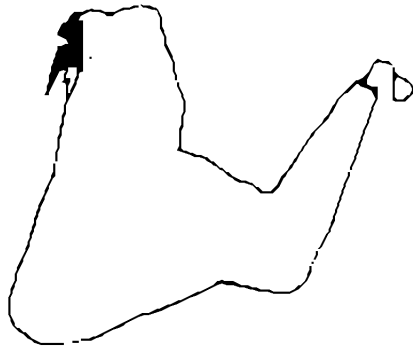


فندق شور تکرده، یعنی غم ترا خورده ومی خورم -
فندق شور، یعنی سراپا داغ ترا به دل دارم.
فندق سرداغ کرده، یعنی آتش بر سرم افتاده است در طلب تو.
فندق کون پهلو داغ، یعنی چنان که آتشم بر دل زدی آتش
بر کونٹ بیفتد.

بادام پوست کنده، در این باب نیزیتی گفته اند:
بادام سپید سر بر آورده ز پوست
عالم خیر است من ترا دارم دوست.
گاه، نیزیتی گفت اند:
تکی بر دیوار دارم همچو گاه از دست تو
بر درو دیوار بنویسم که آه از دست تو.

تیر و کمان که می سازند هم نظمی گفته اند:
عاشق کردی مرا به بازی بازی
استاد شدی تو و کمان میسازي
خواهی که يك شست در تیر اندازی
من نردنیم به شلرم اندازی.
زغال ، یعنی دشمن روسپاه شود .
موم ، یعنی از غم مثل موم شدم.
کاغذ سرخ ، کلثوم نه گفته :
برایت می نویسم نامه ای از بس که خون گرم
تو گویی کاغذ مکتوب من رنگ حنا دارد .
کاغذ زرد ، نیز گفته اند : این زردی رنگ از فراق تو شده .
مرد نیز از برای زن به اعتقاد کلثوم نه اگر رنگ طلا بفرستد
این معنی را دارد ، بیت :

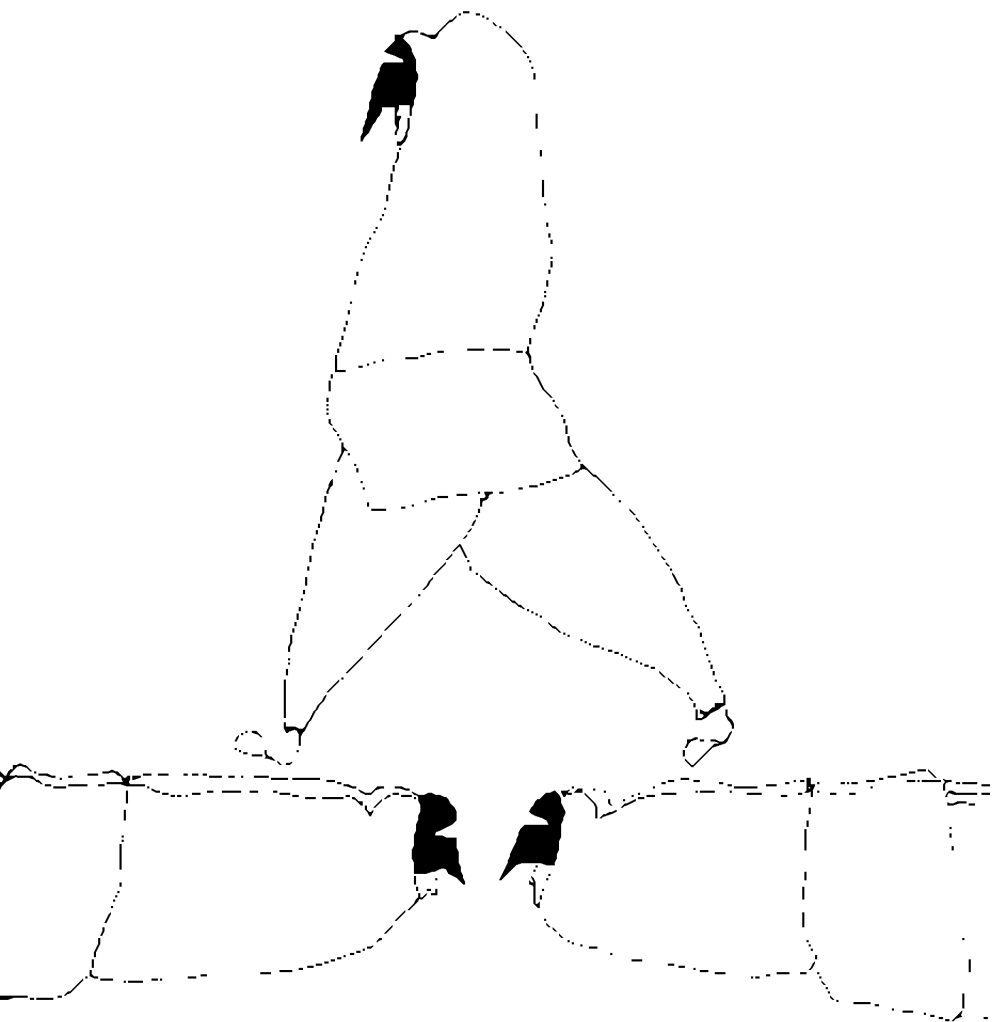
تو که از تنگ طلا می خوری ،
سر سرنای مرا کی می خوری .



در بیان ادعیه و اذکار متفرقه و آداب کثیر المنفعه

اجماعی علماست که در شب چهارشنبه سوری باید ظرفی
مانند سبزه کوزه را پراز آب کرده ، وقت غروب آفتاب از بام به
کوچه اندازند که رفع بلا می کند. کلثوم نه گفته که در وقت بردن ظرف
به عقب نگاه نکنند که بلا برمی گردد. و بعد قاری آتش روی آن ریزند
و بعد مقدار کمی پول سیاه پائین اندازند و آن پول باید باشد نافعیر
بردارد. و باجی با سمن گفته که در روز عید بابا شجاع الدین ، چنگال*

▪ یا چنگالی ، نان گرمی که با روغن و شلیمی در یکدیگر سالیده باشد.

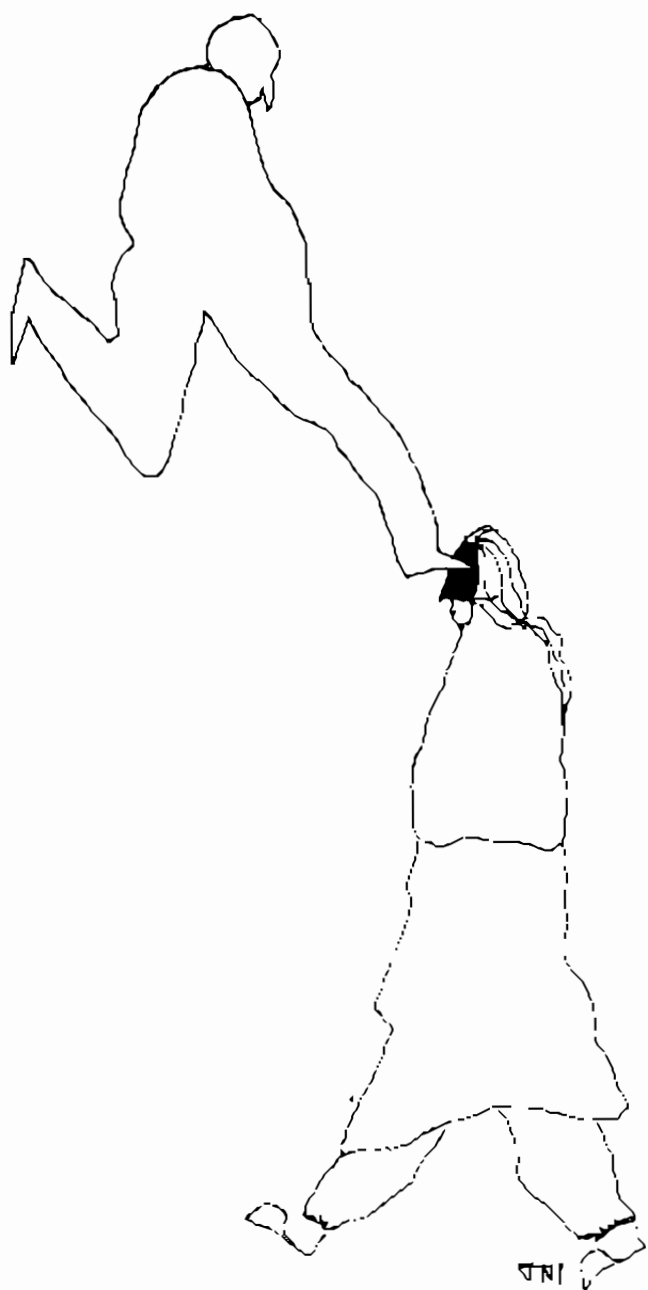


خوردن ثواب عظیم دارد، و اگر روز سه شنبه یا چهارشنبه یا جمعه
اول ماه واقع شود، هر که در آن ماه بمبرد باید يك ننگه کنش
خودش را با او در قبر گذارند که در آن ماه کسی از اقوامش بمیرد.
دیگر از ضروریات که از جهت زود بر آمدن مطلب است، دوازده
فتیه را در بیست و هفتم ماه رمضان باید روشن نمایند. خاله جان آنها
گفته که اگر خروسی در غیر وقت بخواند باید او را کشت زیرا
که اگر او را نکشند صاحبش می میرد و این قول خالی از قوه نیست.
واجماعی علماست و واجب است زنان را که در کمرچه ها

وبازارها هر جا که تعزیه باشد بروند بلکه گفته اند وای به حال زنی که تعزیه نایک فرسخی باشد و او نرود. و اگر زن حامله در تعزیه و یا روضه وضع حملش شود قدم آن فرزند مبارک است و نام او را رمضان باید گذاشت. دده بزم آرا گفته هر گاه زنی بخواهد فسال بگیرد، در شب چهارشنبه بر سر راه بتشینه کلید دودتدانه را بر زمین گذارد و هر مطلب که خواهد نیت کند به حرف کسی که از آن جا عبور می نماید، نتیجه را از حرف او معلوم کند.

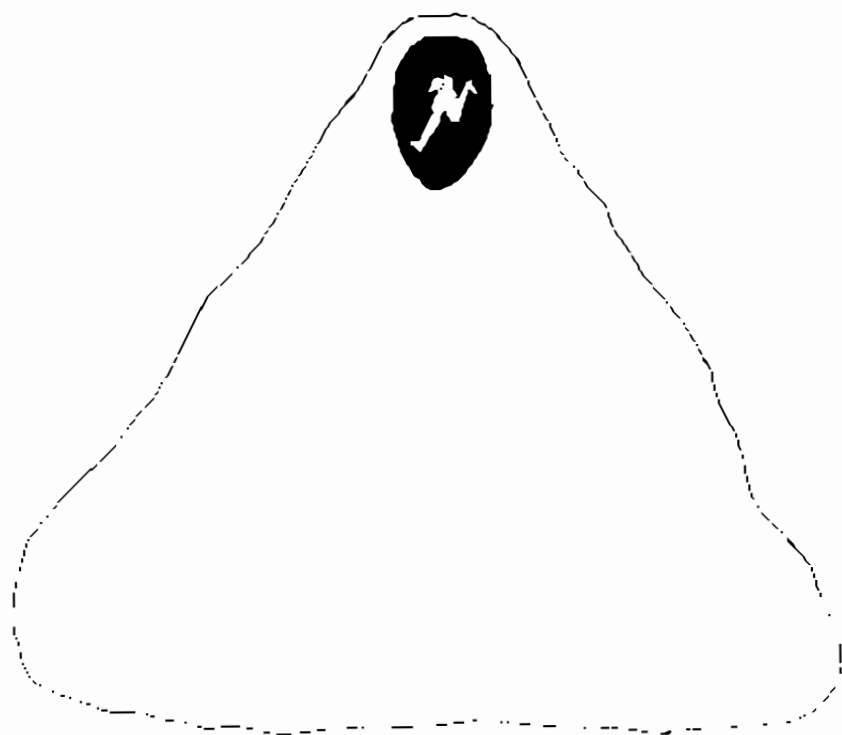
و اگر مهمان آید، در همان ساعت که وارد می شود، آرد برنج

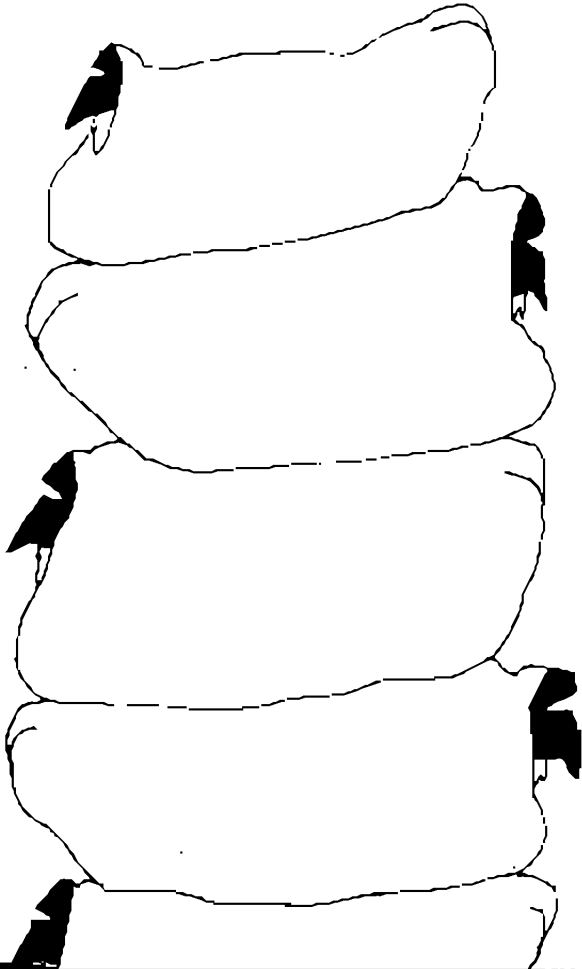
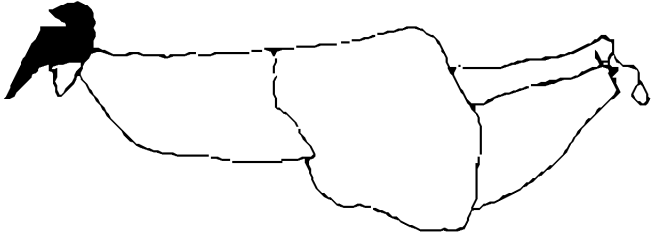


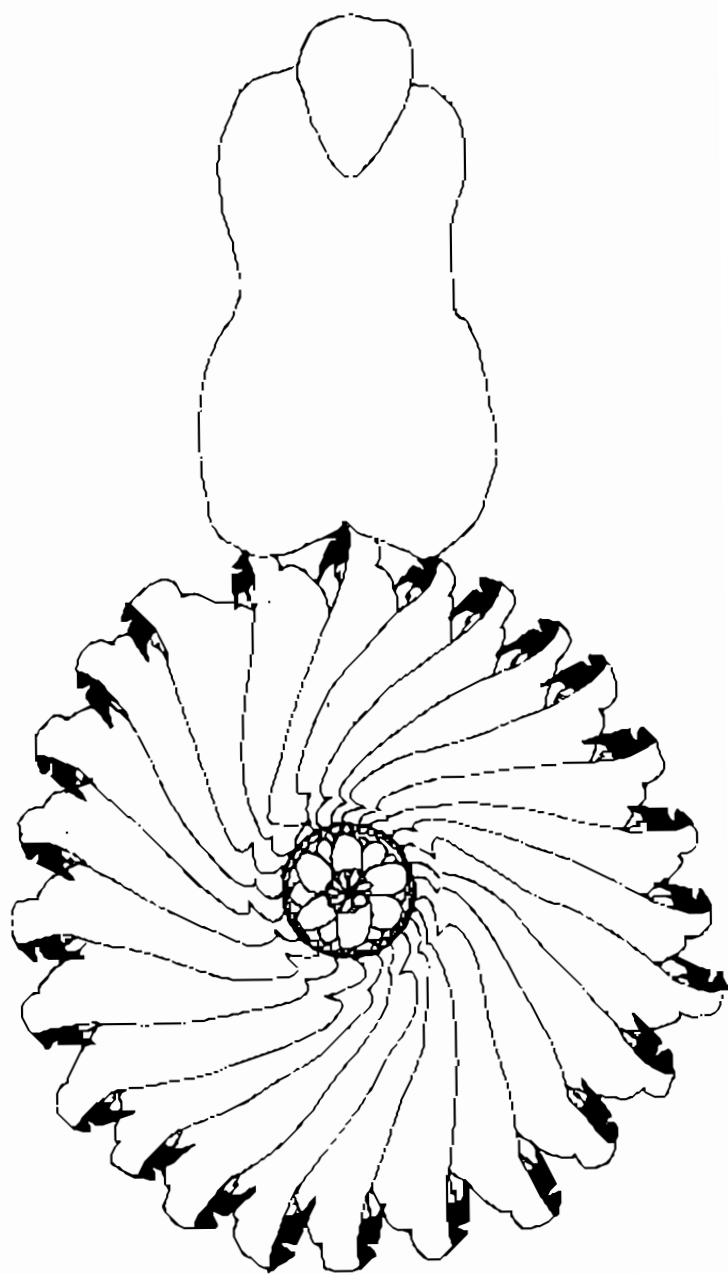


၁၇၇

حلو کند و به مهمان بدهد؛ و بی بی شاه زینب گفته که بر پشت بام بر آید
و فریاد کند که مهمان عزیز آمده چه خوردش بدهم؟ هر چه گویند
بدهد که بسیار مجرب است. چنان که میان زنان مشهور است که
کسی فریاد زد که کیر خور، آن را به بیمار داد در حال صحت یافت.
و دیگر جاروب کردن خانه؛ تا مهمان در خانه است جاروب
کردن حرام است، و در شب و روز سه شبه و چهار شبه هم جاروب
کردن فعل حرام است. و کلثوم نه گفته که باید سه روز از ایام هفته
جاروب نکند که در آن سال مورچه به اطاق و خانه می افتد.

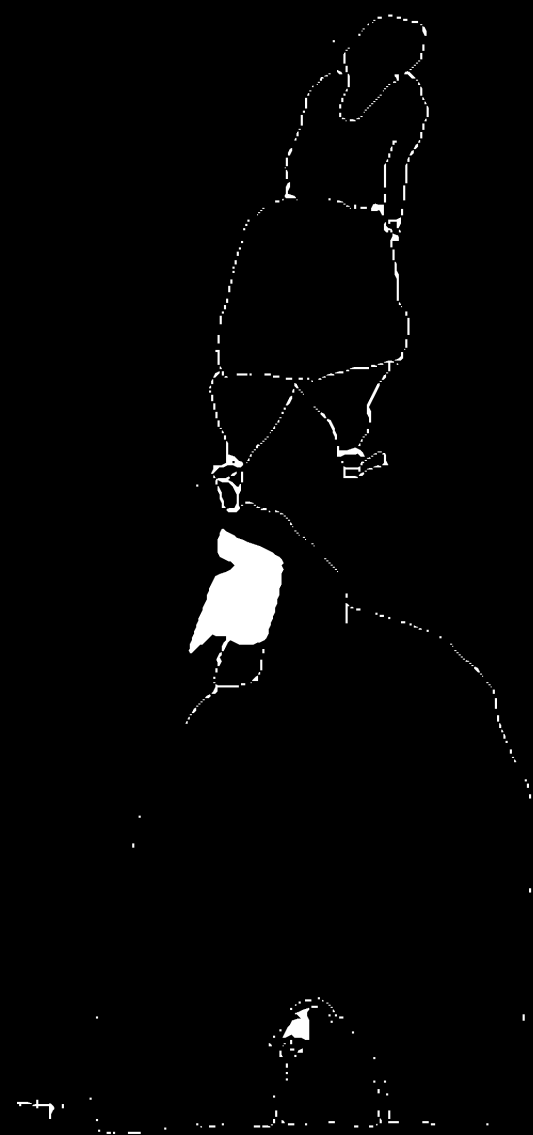






باجی یاسن گفته که بر هر زنی واجب است که هفته ای یک مرتبه
 و اگر ممکن نشود ماهی یک مرتبه و اگر باز هم استطاعت نداشته باشد
 سالی یک مرتبه سنويز دو اگر کسی ترك کند، مرتد* و اگر المیاذ بالله
 کسی در این امر عقیده سستی داشته باشد در حکم کفر و تأملی نیست
 و وارد شده: اترجو رحمة الله امرأة تاركة الطبخ السنو و کان لها
 استطاعة طبخه ، فلافلاح لها فی الدارین الی یوم الفیه؛ و نیز دیگر
 احادیث در این باب بسیار دیده شده اما به همین مختصراً اکتفا شد.
 باجی یاسن و خاله جان آقا گفته اند، سایرین هم اخلاف
 ندارند که اگر زنی فندق سنورا با خود دارد، این شود از جمیع
 بلایا. وانچوچك را باید به دست بشکند، بر خلاف تخم خربزه که

• آن که از دهن خجلی سر خود برگشته باشد.

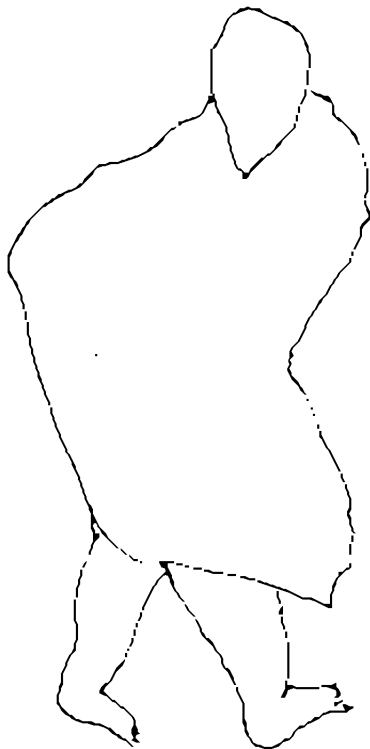


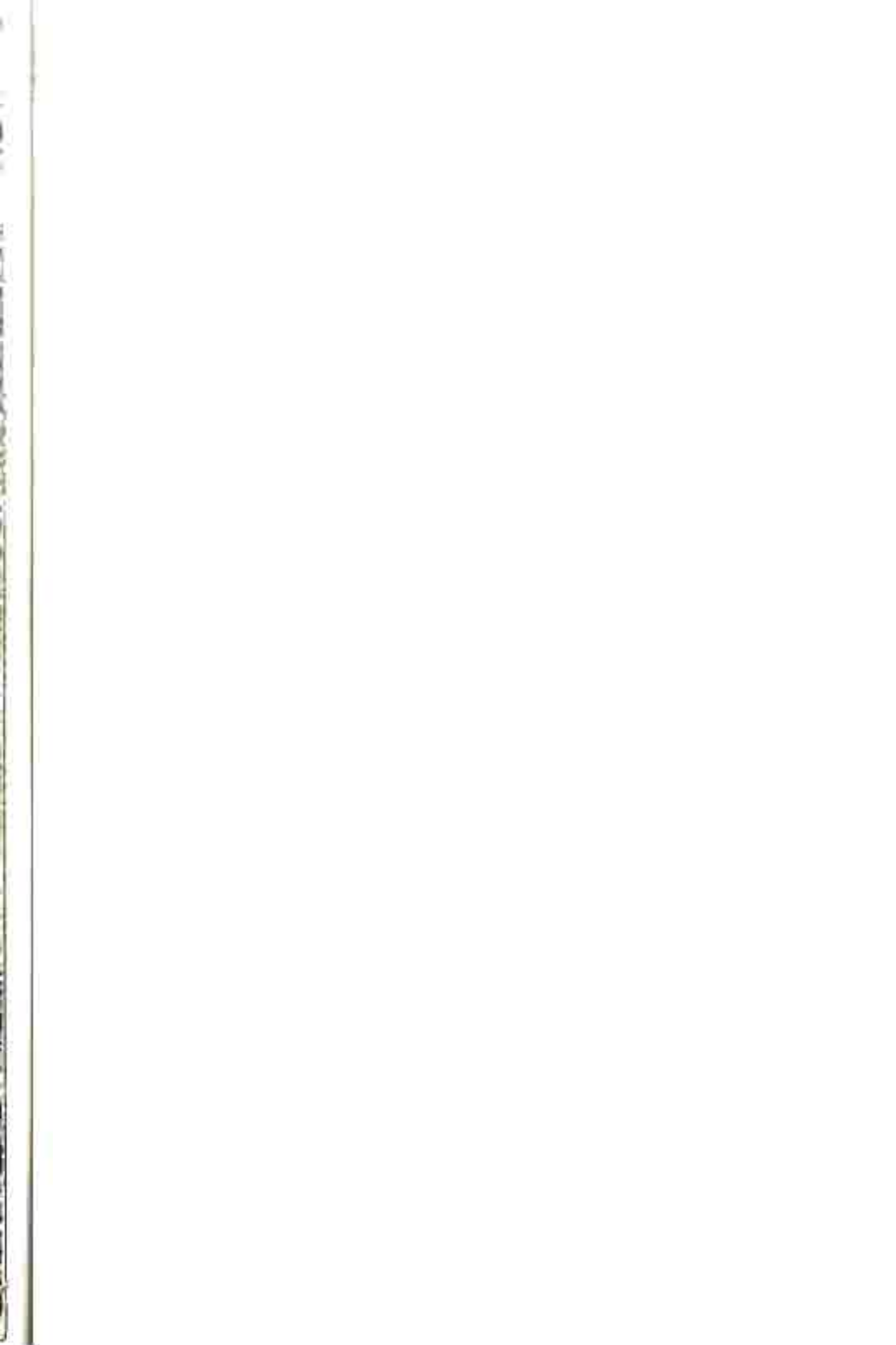


باید به دندان بشکند. و در وقت تخمه خوردن باید تعارف یکدیگر کنند و اگر تخمه را با نخود خام بکوبند و بخورند ثواب عظیم دارد و مخزگردو را بامویز بخورد. و همچنین آتش را با قاشق و پلورا با پنجه و هندوانه و خربزه را با دندان و ترب را بانمک و صل را با روغن و سیر را با ماست و یخنی* را با ترشی و کشک را با نعنا و زردک را پخته بخورد.

لغت

* گوشت پخته شده گرم و سرد. نرمی خوراک شبیه آيگوشت و آن را از گوشت های چرب سازند. قدیم در تهران پختن و خوردن یخنی رواج داشت و در سررگزر دکان های یخنی پزی دیده میشود.





شماره نینف کتابخانه ملی ۱۳۳۷-۱۸۰۱۸۰۱/۱۸۳۵۸

از
بیژن اسدی پور

منتشر می شود

طنز خانگی

(طرح و نوشته های طنز آمیز)



آغازات مرورید